

کاوش کیفی فرایندهای آزار سایبری در میان زنان جوان

مهرانگیز محمدخانی^۱

سعیده گروسی^۲

مهدی امیرکافی^۳

داریوش بوستانی^۴



10.22034/ssys.2023.2689.2943

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۱۰/۱۰

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۱۱/۱۰

پژوهش حاضر با هدف واکاوی تجربه زیسته زنان قربانی آزار سایبری در پارادایم تفسیرگرایی با رویکرد کیفی و روش نظریه داده بنیاد انجام شد. ابزار جمع آوری اطلاعات مصاحبه نیمه ساختارمند بود. مشارکت کنندگان ۳۰ زن قربانی بین ۱۸ تا ۳۵ سال بودند که با روش نمونه گیری هدفمند انتخاب شدند. داده های حاصل از مصاحبه ها در شش مقوله محوری «بافت سنتی خانواده و اجتماع»، «تجربه موقعیت های بحث برانگیز»، «تجلی مناسبات مبتنی بر تهدید و فشار بر قربانی»، «اتخاذ رهیافت کنش عقلانی مبتنی بر احتمال داغ بی اعتباری»، «اتخاذ رهیافت مقابله قاطعانه با آزارگری» و «اثرات فردی، خانوادگی و اجتماعی» دسته بندی شد. مقوله هسته پژوهش، «آگاهی دوباره زنان و بازاندیشی هراس های نیمه تشخیص داده شده» است. مدل پارادایمی در ۶ دسته اصلی طبقه بندی شد: ۱- شرایط زمینه ای: مرتبط با مقوله محوری بافت سنتی خانواده و اجتماع؛ ۲- شرایط علی: مرتبط با تجربه های قربانی در موقعیت های بحث انگیز؛ ۳- شرایط مداخله گر: مرتبط با تجلی مناسبات مبتنی بر تهدید و فشار بر قربانی؛ ۴- راهبردها: مرتبط با رهیافت کنش عقلانی مبتنی بر احتمال داغ بی اعتباری از سوی قربانی؛ ۵- تعاملات: مرتبط با رهیافت مقابله قاطعانه با آزارگری؛ ۶- پیامدها: مرتبط با تأثیرات فردی، خانوادگی و اجتماعی آزار سایبری بر قربانی. یافته ها نشان می دهد زنان در بسترهای سنتی در تعامل با ارتباطات نوین با چالش های بنیادینی روبه رو هستند که کیفیت زندگی آنها را متاثر و دچار اختلال می کند و به بازاندیشی و دگردیسی نوینی در رویکردهای جنسیتی در خانواده و جامعه نیاز است.

واژگان کلیدی: آزار سایبری، زنان جوان، شبکه های اجتماعی و فضای مجازی.

^۱ دانشجوی دکتری جامعه شناسی مسائل اجتماعی ایران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران

^۲ استاد، گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران (نویسنده مسئول)

E-mail: Sgarousi@uk.ac.ir

^۳ دانشیار، گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران

^۴ دانشیار، گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران

مقدمه

اینترنت یکی از مظاهر پیشرفت در قرن حاضر می‌باشد. در سال‌های اخیر انفجار فناوری اطلاعات، کمتر عرصه‌ای از حیات بشری را بدون تغییر رها کرده است (اولسون، ۱۳۷۷: ۵۷). بر اساس یافته‌های گهاگن^۱ (۲۰۱۶) خواسته یا ناخواسته سرنوشت هر شخص، امروزه با فضای سایبری به نوعی گره خورده است. با پیشرفت فناوری، آزارگری‌ها^۲ نیز اشکال جدیدتری به خود گرفته و به صورتی دیگر در فضای سایبری اتفاق می‌افتد که با اصطلاح «آزار سایبری»^۳ شناخته می‌شود (Nancy, 2016: 6). کارتر آزار سایبری را به عنوان پدیده مخرب سلامت عمومی در قرن بیست و یکم شناسایی کرده است (Caetr, 2015: 97). از نظر لونیرگو و همکاران (۲۰۱۵) آزار سایبری به رفتارهای قلدرمآبانه‌ای اطلاق می‌شود که از طریق وسایل الکترونیکی مثل گوشی‌های همراه و شبکه‌های اجتماعی و ... قابل اعمال هستند. آزار سایبری شامل طیف گسترده‌ای از شیوه‌هایی است که دامنه آن از صدمه به روابط اجتماعی افراد، شایعه‌پراکنی و توهین تا وادار کردن افراد متغیر است و اغلب منبع آزارگری برای قربانیان ناشناس و گمنام است (Chukwuere et al, 2018: 9941-9942). اصطلاح «فرایند» در جامعه‌شناسی معمولاً پیش از واژه «اجتماعی» به کار برده می‌شود و «فرایند اجتماعی» متأسفانه یکی از مبهم‌ترین اصطلاح‌های جامعه‌شناسی است. فرایند از جهتی اصطلاحی کلی است که ممکن است تقریباً به هر جنبه از برهم‌کنش اجتماعی دلالت کند و از جهت دیگر ممکن است بر توالی مداومی از فعالیت‌های اجتماعی که به دقت بر پایه پژوهش تجربی تعریف شده‌اند، اشاره داشته باشد. این اصطلاح در رایج‌ترین کاربرد آن به معنای گذار یا رشته‌ای از گذارهای میان یک وضعیت اجتماعی و وضعیت اجتماعی دیگر است. بعضی از جامعه‌شناسان بین «فرایند اجتماعی» و «فرایندهای اجتماعی» تمایز قائل‌اند. آنها فرایند اجتماعی را بر هم‌کنش اجتماعی تلقی می‌کنند و آن را شرط لازم هرگونه فعالیت اجتماعی می‌دانند. همه به اصطلاح «فرایندهای اجتماعی» دیگر، چیزی جز شکل‌های اختصاصی‌تر برهم‌کنش نیستند. فرایند اجتماعی در جنبه بنیادین خود مفهومی از جنبش، تغییر و جریان مداوم حرکت است و یکی از مهم‌ترین وظایف آن در توسعه نظریه اجتماعی، برانگیختن احساسی درباره توالی زمانی می‌باشد. از این رو، نظریه فرایند اجتماعی نماینده واکنشی مهم علیه نظریات ایستا و نظریات مربوط به ساختار به شمار می‌آید. نظریه فرایند اجتماعی، جامعه را چونان توالی تصویرهای فیلمی سینمایی تلقی می‌کند، نه عکس‌های فوری جداگانه (گولد و کولب، ۱۳۷۶: ۶۲۱-۶۲۰). فرایند آزار سایبری در مطالعه حاضر، برای توصیف تعاملات و روابطی به کار می‌رود که در گذر زمان دچار تغییر و تحول شده‌اند و واکنش متفاوت افراد را نسبت به موقعیت و نسبت به یکدیگر به دنبال دارد و منجر به پیدایش، تکرار یا پیشرفت رویدادی می‌شود که نتایج و پیامدهایی را نیز به دنبال خواهد داشت. فرایند آزار سایبری، آزار سایبری را تابعی از تعاملات قربانیان با آزارگران و آزارگری در فضای مجازی می‌داند و به مطالعه بسترهای وقوع آزار سایبری، عوامل مرتبط و موثر بر آن، چگونگی آغاز مزاحمت از ابعاد مختلف (شامل وضعیت اجتماعی، تعاملات اجتماعی و خانوادگی قربانی، میزان و محدوده فعالیت قربانی در شبکه‌های اجتماعی و عناصر مرتبط به آن)، چگونگی پیشروی آن از منظر تعاملات آزارگر و قربانی به لحاظ مقاصد، تاکتیک‌ها و راهبردهای مورد استفاده آنها در کنش متقابل می‌پردازد و مسیری که به خاتمه- یافتن آزارگری و یا تداوم آن می‌انجامد را بررسی می‌کند و همچنین پیامدهای وارده به قربانی را مورد مطالعه قرار

¹Gahagan

²Persecution

³ Cyberbullying

می‌دهد. آزار سایبری به دلیل فراگیری، تبدیل به یک مسئله سلامت ملی و جهانی شده است. پیامدهای ناشی از آن برای قربانی به حدی جدی است که به عنوان مشکل جهانی در نظر گرفته می‌شود تا جایی که می‌تواند بر روی قربانبان تأثیرات سوء و گاهی غیرقابل جبران بگذارد (Gahagen, 2016: 55). از آنجا که در حدود نیمی از کاربران فضای مجازی زن هستند، آزار و اذیت‌های سایبری علیه زنان و دختران، هیچ مرز، نژاد و فرهنگ خاصی را شامل نمی‌شود (kafashi, 2015: 105-122). جوونن^۱ و گراس^۲ آن را به عنوان یک مسئله سلامت عمومی مطرح نمودند و اظهار داشتند که با افزایش سریع ارتباطات الکترونیکی و آنلاین، میلیون‌ها جوان در معرض خطرات سلامتی ناشی از آزارهای سایبری قرار می‌گیرند (Juvonan & gross, 2008: 78).

بیان مسئله

در ایران آزار و مزاحمت‌های سایبری در سال‌های اخیر با تغییر سبک زندگی و ورود فناوری‌های نوین ارتباطی در حال گسترش است (علی‌وردی‌نیا، قربان‌زاده، ۱۳۹۸: ۱۴۵). آنچه بر نگرانی‌ها می‌افزاید این است که با پیدایش و رواج شبکه‌های اجتماعی، نرخ فراوانی قربانی شدن زنان نیز به صورت تصاعدی در حال افزایش است (هنسون، ۱۳۹۳: ۳۶۵). یکی از محیط‌های سایبری، شبکه‌های اجتماعی مجازی است که با همه تسهیلاتی که برای جامعه فراهم کرده، سبب ایجاد یا تسهیل بسیاری از آسیب‌ها و خشونت‌های نوین شده است (Athanasiaades et al, 2015: 39). به نظر ستین (۲۰۱۱) مهمترین مشخصه‌های رفتارهای تعدی‌گرایانه غیراخلاقی در فضای سایبری که آن را از اشکال سنتی تعدی به حقوق دیگران متمایز می‌سازد، سهولت دسترسی به اینترنت، گمنامی، انجام جرائم به دور از محدودیت‌های زمانی و مکانی است. به عبارتی، نیاز به حضور آزارگر و قربانی آزار در یک مکان مشترک یا همزمان نیست (Berne et al, 2013: 325). انواع گوناگونی از آزار یا تخطی‌های غیراخلاقی سایبری وجود دارد: ۱- تعرض نیابتی^۳: ارسال مطالب مبتذل و گستاخانه درمورد کسی از طریق یک گروه اینترنتی، ایمیل و یا سایر وسایل الکترونیکی؛ ۲- اهانت سایبری^۴: ارسال پیام‌های توهین‌آمیز به‌طور مکرر از طریق رسانه‌های جمعی و یا سایر وسایل الکترونیکی به دیگران- آمار موجود در میان جرائم سایبری حکایت از این دارد که در آزارهای سایبری، توهین بیشترین شیوع را دارد؛ ۳- ترساندن سایبری^۵: روشی برای آزار و اذیت آنلاین دیگران با استفاده از تهدید و ارعاب و ارسال پیام‌های مختلف با هدف ترساندن و آسیب رساندن به افراد؛ ۴- تشویش سایبری^۶: به معنای بیان اظهارات خلاف واقع و باطل در مورد فرد قربانی از طریق ارسال پیام کوتاه، ایمیل و شبکه‌های اجتماعی برای سایر افراد به منظور تخریب ذهنیت دیگران نسبت به فرد مورد نظر؛ ۵- تقلب از نوع خود بدلی سایبری^۷: خود را به جای فرد دیگری جا زدن و ارسال پیام‌های ناشایست با نام آن فرد برای دیگران با هدف تخریب فرد مورد نظر؛ ۶- افشای سایبری^۸: ارسال اطلاعات خصوصی دیگران یا نوشتن و ارسال آن برای بقیه (Safaria, 2016: 92-108).

¹ Juvonan

² gross

³ Flaming bullying

⁴ online harassment

⁵ Cyber stalking

⁶ cyber denigration

⁷ Cyber masquerading

⁸ Cyber masquerading

در ایران آمار و اطلاعات دقیقی از این موضوع در دست نیست، زیرا زنان از لحاظ فرهنگی به علت ترس از دست رفتن حیثیت، مورد قضاوت واقع شدن و عواقب اجتماعی حاصل از آن، مایل به گزارش‌دهی ارتکاب آزار سایبری علیه خود نیستند. موضوعی که مانع به تصویر کشیده شدن وخامت بحران جرم سایبری در همه کشورها به‌ویژه در ایران است، رقم سیاه بالای این جرائم است که به هر دلیل کشف نمی‌شوند (هالدر و جایشانکار، ۱۳۹۳: ۲۲). بنا به گزارش رئیس پلیس فتا در سال ۱۳۹۴، ۲۴ درصد جرائم اینترنتی نسبت به سال ۱۳۹۳ افزایش داشت. این افزایش در حوزه مزاحمت‌های اینترنتی ۱۹ درصد، انتشار فیلم‌های خصوصی ۹۰ درصد، هتک حرمت و نشر اکاذیب ۷۹ درصد بود (خبرگزاری مهر، ۱۸ اسفند، ۱۳۹۴). مطابق با آمار پلیس فتا در سال ۱۳۹۵ برای اولین بار جرائم علیه عفت و اخلاق عمومی بیشترین سهم را در جرائم سایبری به خود اختصاص داده و ۸۹ درصد از جرائم مذکور از طریق شبکه‌های اجتماعی صورت گرفته است (نقل از رئیس پلیس فتا، خبرگزاری فارس، ۱۳۹۷/۲/۹). در این میان، بیش از ۸۵ درصد بزه‌کاران سایبری مرد بوده‌اند و اکثر بزه‌دیدگان سایبری در جرائم منافی عفت را دختران تشکیل داده‌اند (کرد علیوند و همکاران، ۱۳۹۵: ۳۹۰-۳۹۱).

اهداف پژوهش

- هدف کلی: کاوش کیفی فرایندهای آزار سایبری در میان زنان جوان (۱۸ تا ۳۵ سال)
- اهداف جزئی:
- مطالعه بسترها، فرایندها و علل و عوامل قربانی‌شدن ناشی از آزار سایبری در زنان جوان ایرانی (۱۸ تا ۳۵ سال)
- چگونگی مواجهه و مقابله قربانیان (زنان جوان ۱۸ تا ۳۵ سال) با آزار سایبری
- تحلیل پیامدهای اجتماعی، خانوادگی و سلامتی ناشی از آزار سایبری در زنان جوان آزرده (۱۸ تا ۳۵ سال)

این تحقیق در صدد پاسخگویی به سوالات زیر است:

- ۱- تجربه زنان جوان (۱۸ تا ۳۵ سال) از آزار سایبری چگونه است؟
 - بسترها، فرایندها، علل و عوامل قربانی‌شدن ناشی از آزار سایبری در میان زنان جوان (۱۸ تا ۳۵ سال) چیست؟
 - چگونه زنان جوان قربانی (۱۸ تا ۳۵ سال) با آزار سایبری مواجهه و مقابله می‌کنند؟
- ۲- پیامدهای اجتماعی، خانوادگی و سلامتی ناشی از آزار سایبری در زنان جوان آزرده (۱۸ تا ۳۵ سال) چیست؟

پیشینه تجربی پژوهش

غفوری و صالحی (۱۳۹۹) در مطالعه‌ای با عنوان «تجربه زیسته بزرگسالان از فرصت‌ها و تهدیدهای فضای مجازی» که با استفاده از رویکرد کیفی و روش پدیدارشناسی و راهبرد نمونه‌گیری هدفمند با ۲۲ نفر از طریق ایمیل مصاحبه شد، دریافتند که به رغم وجود فرصت‌های بی‌شمار در فضای مجازی، تهدیدهای برآمده از فضای مجازی به دلیل فقدان آموزش مناسب و کافی، هرروز نمایان‌تر و اثرگذارتر می‌شود و ضرورت آموزش فراگیر سواد رسانه‌ای و

کاوش کیفی فرایندهای آزار سایبری در میان زنان جوان

مدیریت این فضا بیش از پیش احساس می‌گردد. خواجه‌وندی، احمدی و ابراهیمی (۱۳۹۹) در تحقیقی با عنوان «نقش عوامل فردی، خانوادگی و اجتماعی در بزه‌دیدگی در فضای مجازی» با استفاده از روش پیمایش و نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای متناسب با حجم، تعداد ۳۲۶ نفر از دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه شهر تهران را انتخاب کردند و از طریق پرسش‌نامه و تحلیل‌های آماری به این نتیجه رسیدند که خودپنداره، ارتباط والد-نوجوان و قربانی شدن توسط همسالان پیش‌بینی‌کننده تجربه بزه‌دیدگی در فضای مجازی در میان دانش‌آموزان است و ارتباط باز والد-نوجوان به عنوان عوامل محافظ در برابر بزه‌دیدگی در فضای مجازی محسوب می‌شود و ایجاد و بهبود عوامل مثبت محافظ توسط خانواده و نظام آموزش و پرورش مورد تأکید قرار دارد. علی‌وردی‌نیا و ساهکلرودی (۱۳۹۸) در تحقیقی با عنوان «بررسی جامعه-شناختی بزه‌دیدگی ناشی از آزار سایبری در میان دانشجویان دانشگاه مازندران»، با استفاده از روش پیمایش و بر اساس نظریه فعالیت‌های روزمره و سنجش رفتارهای آنلاین، نمونه آماری ۳۷۴ نفری (۲۲۶ دختر و ۱۴۸ پسر) از دانشجویان این دانشگاه را انتخاب کردند و دریافتند سه متغیر سبک زندگی منحرفان آنلاین، محافظت آنلاین (به‌طور مستقیم) و مجاورت آنلاین با متخلفان (به‌طور معکوس) تأثیر معناداری بر بزه‌دیدگی ناشی از آزار سایبری دارد. فاطمی‌نیا، محمد علی، توکل و محمد (۱۳۹۸) در تحقیقی با عنوان «جامعه‌اطلاعاتی و جرائم نوظهور: تلاش جامعه‌شناختی در تبیین قربانیان تعرض سایبری» درصدد کشف نرخ وقوع تعرض سایبری و تحلیل علل آن از طریق روش پیمایش بر روی شهروندان بالای ۱۵ سال برآمدند. تحلیل یافته‌ها بیانگر آن است که سبک زندگی آنلاین قربانیان در میزان و کیفیت تعرض سایبری اثرگذاری معناداری دارد. از جمله عوامل تأثیرگذار، تغییر ارزش‌ها در فضای سایبری و کنترل اجتماعی است که کناره‌گیری اخلاقی و کاهش خودکنترلی افراد را به‌دنبال دارد. عباس‌نژاد و شریفی (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «بررسی علل و عوامل بروز، افزایش و فراوانی بزه‌دیدگی زنان و کودکان در فضای سایبری با تأکید بر سبک زندگی و راهبردهای پیشگیرانه» با رویکرد توصیفی و تحلیلی به بررسی علل و عوامل بروز این پدیده پرداختند و نتیجه گرفتند اطلاع‌رسانی روش‌های پر تکرار ارتکاب جرائم سایبری در رسانه ملی، اخذ تدابیر امنیتی مناسب در محیط سایبر، استفاده از نرم‌افزارهای امنیتی به روز و آموزش نیروهای تعقیب‌کننده و پلیس به‌طور کاملاً سازمان‌یافته و تخصصی و اعمال شیوه‌های نظارتی از سوی نهادهای مسئول از عوامل تأثیرگذار در پیشگیری از بزه‌دیدگی سایبری زنان و کودکان می‌باشد.

آلدراسه، آلرکیت و ابوطایه (۲۰۲۱) در مطالعه‌ای با عنوان «آزار سایبری در میان جوانان جامعه محلی آردن» با استفاده از رویکرد کمی از طریق روش نمونه‌گیری تصادفی و با ابزار پرسش‌نامه ۱۸۵ پاسخگو را بررسی کردند. آنها به این نتیجه رسیدند که شایع‌ترین انواع آزار و اذیت در میان جوانان به ترتیب عبارت بود از: مسخره کردن و بی‌اعتبار کردن، تهمت زدن، دشنام دادن و تحقیر، انتشار پیام‌های گمراه‌کننده، پخش تصاویر و اخبار در مورد دیگران و انتشار لواطی ناقض عرف اجتماع. همچنین سطح بالای خشونت فردی و نزاع‌های گروهی، سطح پایین ملاحظه آداب و رفتار همسو با عرف جامعه و تخلف از ارزش‌های اجتماعی، از دست دادن هویت فرهنگی و تقلیل مهارت‌های ارتباطاتی از شایع‌ترین تأثیر مزاحمت سایبری در میان جوانان است. آنها توصیه کردند که نقش رسانه و نهادهای آموزشی در یادگیری جوانان پیرامون خطرهای درگیر شدن در آزار و اذیت سایبری بسیار مهم است. رن (۲۰۲۱) در تحقیقی با عنوان «مسدود کردن و خودسانسوری در برابر بزه‌دیدگی و راهبردهای مقابله با دانشجویان» بررسی کرد و به این نتیجه رسید که قربانیان به جای مراجعه به دانشگاه برای حمایت و ارائه یک محیط آموزشی دور از آزار و اذیت، از راهبردهای مقابله فنی در برابر بزه‌دیدگی استفاده می‌کنند. آنها نشان دادند که بین وجود راهبردهای مقابله‌ای

و خودسانسوری رابطه وجود دارد. فرانسسکا و همکاران (۲۰۲۱) در پژوهشی با عنوان «تعقیب سایبری، آزار سایبری و سلامت روانی بزرگسالان»، در یک مطالعه سیستماتیک با استفاده از روش متاآنالیز به مرور انتقادی ۴۳ مقاله منتشر شده در هشت پایگاه اطلاعاتی آنلاین پرداختند و دریافتند که درچهل و دو مقاله قربانیان تعقیب، سرکوب و آزار و سایبری، انبوهی از آسیب‌ها را تجربه کرده بودند که پیامدهای مضر برای سلامت روانی آنها به دنبال داشته است. همچنین نشان دادند که قربانیان سایبری ادعای عدم حمایت سیستم قضایی جنایی از خود و همچنین عدم اعتماد خود به سوء استفاده فناوری از پست‌ها را داشتند. ویرجینیا و بیرن (۲۰۲۱) در پژوهشی با عنوان «مطالعه اولیه حضور اجتماعی قربانیان در بحث‌های اینترنتی مزاحمت‌های سایبری» از طریق روش‌های ترکیبی، نظرسنجی، مشاهدات و مصاحبه با ۹ تن از زنان دوره کارشناسی دریافتند که زنان شرکت‌کننده دارای تجارب قبلی آزار سایبری در مقایسه با کسانی که قربانی این آزار نشده‌اند، حضور اجتماعی کمتری از خود در فضای مجازی باقی می‌گذارند و بیشتر متمایل به سکوت و راهبردهای اجتنابی مقابله می‌باشند. همچنین از ترس تکرار آزار سایبری از مخالفت با دوستان پرهیز می‌کنند و با دیگران مخالفت نمی‌نمایند. یافته‌های این مطالعه به مریان یادآوری می‌کند عواقب بالقوه ناخواسته انتخاب طرح‌های آموزشی را در نظر بگیرند تا درک و بینش عمیق‌تری نسبت به طراحی محیط‌های یادگیری آنلاین برای آموزش متقاضیان شبکه‌ای شده به دست آورند.

بدین ترتیب، می‌توان دریافت که در موضوع مزاحمت‌های سایبری کار زیادی در داخل کشور صورت نپذیرفته و این مسئله در اکثر تحقیقات یا مقالات موجود، از منظر روان‌شناختی و حقوقی بررسی شده و بیشتر رویکردی تبیینی داشته است. کارهایی که درحوزه جامعه‌شناسی صورت گرفته از منظر آسیب‌شناختی بوده و مهم تر اینکه بر قربانیان و تجربه آنها از آزار و اذیت سایبری تمرکز نشده است- ضمن اینکه تمام داده‌های منتج، با استفاده از روش کمی و روش‌های تحلیل آماری از طریق توزیع پرسش‌نامه بین افراد مختلف به دست آمده است. به همین دلیل کمبود اطلاعات موجود در مورد بسترها و فرایندهای آزارسایبری، شناسایی بسترها، جزئیات و غور در این فرایند را با هدف شناسایی ابعاد تاریک و پوشیده آن و پاسخ به ابهامات این موضوع از زاویه دید قربانیان ضروری می‌نماید. تمرکز مطالعه حاضر بر روی قربانیان ناشی از آزار و اذیت سایبری و فرایندهای آزار است که تجربه آنان در این فرایند را از طریق مصاحبه عمیق، مطالعه بسترها و پیامدهای آن بررسی می‌کند.

ادبیات نظری پژوهش

اشتراوس و کوربین^۱ (۱۹۷۹) از بنیانگذاران نظریه بنیادی، از مفهوم «حساسیت نظری»^۲ به جای «چارچوب نظری» استفاده کردند (افراسیابی، ۱۳۹۵: ۸۱). جایگاه نظریه در پژوهش‌های کیفی متفاوت از پژوهش‌های کمی است. پژوهشگران کیفی به‌طور عمده معتقدند پژوهشگر قبل از گردآوری داده‌ها باید ذهن خود را از نظریه‌ها خالی نگه دارد و تا حد ممکن، بدون پیش‌فرض‌های نظری وارد میدان شود. بنابراین استفاده از نظریه در اینگونه تحقیقات با هدف افزایش حساسیت نظری صورت می‌گیرد تا محقق بتواند قبل از ورود به میدان پژوهش با ذهنی باز ابعاد و زوایای گوناگون پدیده مورد مطالعه را در نظر بگیرد. در واقع در روش‌شناسی کیفی به‌ویژه در نظریه زمینه‌ای هیچ‌گونه چارچوب نظری از پیش تعیین‌شده‌ای وجود ندارد که مسیر تحقیق را مشخص کند.

¹ Strauss & Corbin

² Theoretical Sensitive

نظریه سبک زندگی – فعالیت روزمره

«نظریه سبک زندگی»^۱ با «نظریه فعالیت روزمره»^۲ تلفیق شده است (Shoenberger, 2021: 120). «نظریه سبک زندگی و فعالیت روزمره» در چهار دهه اخیر در ادبیات بزه‌دیدگی و قربانی شدن به اندازه‌ای فراگیر شده است که اغلب به جای یکدیگر یا در چارچوب سبک زندگی – فعالیت روزمره به کار می‌روند. هر دو نظریه قربانی شدن را از طریق هم‌گرایی انگیزه ارتکاب جرم^۳، هدف یا جذابیت قربانی^۴ و عدم وجود محافظت^۵ توانمند بررسی می‌کنند. نظریه سبک زندگی (Hindelang) و نظریه فعالیت‌های روزمره (کوهن و فلسون^۶) استدلال می‌کنند که میزان قربانی شدن تحت تأثیر تفاوت‌های سبک زندگی است که در گروه‌های مختلف به دلیل انتظارات نقش مرتبط با ویژگی‌های فردی متفاوت می‌باشد. مطالعات نشان داده است که اگرچه این نظریات محدود به رفتار جوانان نیستند، اما کانون توجه تحقیقات تجربی زیادی در این چارچوب، بر روی جوانان به عنوان گروه در معرض خطر متمرکز شده است (Engstrom, 2020: 734).

«نظریه سبک زندگی و فعالیت روزمره» در نحوه برخورد با رفتارهایی که مردم را در معرض خطر قربانی شدن قرار می‌دهند، متفاوت هستند. «نظریه سبک زندگی» ریسک را در شرایط احتمالی وقوع بزه‌دیدگی تصور می‌کند. برای مثال، رفتارهای خاص احتمال قربانی شدن را بالا می‌برند و «نظریه فعالیت روزمره»، خود رویداد قربانی شدن را توصیف می‌کند که چنانچه با سه عنصر اصلی همگرا شوند، قربانی شدن رخ می‌دهد (Pratt et al, 2016: 335). رویکرد سبک زندگی برای درک چگونگی تأثیر شیوه زندگی افراد و ویژگی‌های آنها بر خطر بزه دیدگی و قربانی شدن به‌ویژه تمرکز بر تأثیر شیوه زندگی قربانی بر چگونگی مواجهه با آن است. آن‌ها ادعا می‌کنند که مشارکت در رفتارهای پرخطر لزوماً تضمین نمی‌کند که افراد قربانی شوند، اما درگیر شدن در چنین رفتاری شانس وقوع آن را بالا می‌برد. با توجه به تئوری فعالیت روزمره، بزه‌دیدگی در ویژگی‌های طبیعی زندگی روزمره ریشه دارد. در بحث کوهن و فلسون در تئوری فعالیت‌های روزمره، هم‌گرایی عناصر سه گانه، برای بزه‌دیدگی کافی است تا احتمال وقوع آن افزایش یابد. تناسب هدف از طریق سه مولفه محقق می‌شود: تقابل هدف، آسیب‌پذیری هدف، تحقق هدف (Mcneely, 2018: 935-936). این مولفه‌ها در تعاملات اجتماعی روزانه و زمان و مکان مناسب همگرا می‌شوند (Shoenberger, 2021: 119-120). بنابراین، این تصور به احتمال قربانی شدن مربوط نیست، بلکه به توصیف خود رویداد قربانی شدن مربوط می‌شود (Pratt et al, 2016: 336).

در «نظریه سبک زندگی» انتظارات نقش^۸ و محدودیت‌های ساختاری^۹ مولفه‌های تأثیرگذاری بر قربانی شدن هستند. محدودیت‌های ساختاری همچنین بافت یا ساختار اجتماع، انتخاب‌های رفتاری را محدود کرده و در رابطه

¹ Lifestyle Theory

² Theory Of Everyday Activity

³ Motive to Commit Crime

⁴ The Target Or Attractiveness Of The Victim

⁵ Absence Of Competent Protection

⁶ Cohen

⁷ Felson

⁸ Role expectations

⁹ Structural Constraints

متقابل با انتظارات نقش منجر به شکل‌گیری سازش و خرده فرهنگی می‌شود که تغییرات سبک زندگی را ایجاد می‌کنند (Engstrom, 2020: 739-740).

نظریه منابع قدرت

«نظریه منابع» یکی از نظریه‌هایی است که ویلیام گود^۱ به آن پرداخته است. گود مفهوم «قدرت» را برای تبیین تضاد و خشونت مطرح کرد و استدلال نمود که دسترسی به منابعی مانند موقعیت، منزلت اجتماعی، پایگاه فرد در بیرون از خانواده، شغل، اقتدار سیاسی و ... قدرت افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد (اعزازی، ۱۳۸۰: ۸۱). براین اساس رابطه آشکار بین قدرت^۲ و منابع^۳ وجود دارد. قدرت، توانایی بالقوه یک عنصر برای نفوذ و تسلط بر رفتار دیگری تعریف می‌شود (حضور، ۱۳۸۵: ۸۲). هسته اصلی «نظریه منابع»، شکل خاصی از سویه مبادله است که قدرت تصمیم‌گیری مستقیماً به زمینه یا بستری وابسته است که منابع ارزشمندی برای فرد دارد. «تئوری منابع قدرت» بر سطوح نابرابری در جامعه تأکید دارد و مدل نظری آن در سیاست‌های جنسیتی شکل گرفته و منابع قدرت را می‌توان از ویژگی‌هایی دانست که به کنشگران توانایی مجازات و یا پاداش‌دهی کنشگران دیگر را می‌بخشد (آبر و همکاران، ۲۰۰۹: ۱-۳۱). در جوامع مردسالار منابع دیگری از جمله قدرت اقتصادی، عقیدتی، حقوقی و عاطفی برای نگهداشت قدرت به کار می‌رود. مردان نه تنها به دلیل داشتن منابع تسلط بر زنان، پدرسالاری را ایجاد و حفظ می‌کنند، بلکه به نفعشان است که زنان را از این طریق وادار سازند تا به عنوان ابزارهای مطیع به آنها خدمت کنند (ریتزر، ۱۳۸۳: ۴۹۰). گود معتقد است که داشتن قدرت فیزیکی همانند پول است و تهدید به استفاده از آن همانند پول یا نگرش‌های شخصی است که افراد برای کنترل اقدامات دیگران از آن بهره‌برداری می‌کنند. گود نشان داد که الگوی خشونت، فقط در جامعه‌ای ظاهر می‌شود که در مشروع‌سازی اعمال قدرت، ضعیف است. در جوامع درحال-توسعه، هنجارهای مربوط به توزیع قدرت زن و مرد در خانواده، هنوز مبهم هستند، زیرا هنجارهای طرفدار برابری انسان‌ها، به طور کامل جایگزین هنجارهای پدرسالارانه سنتی خانواده نشده‌اند. بنابراین نرخ بالای خشونت، ممکن است تا حدی از این ابهام منتج شود. وقتی که انتظارات هنجارهای سنتی، دستخوش تغییرات سریع می‌شود، تغییر انتظارات زنان و تقاضای برابری آنها ممکن است عملاً خشونت علیه زنان را افزایش دهد (عنایت و عنبری روزبهانی، ۱۳۹۲: ۱۳۷). پژوهش‌های تجربی در ایران نشان داده است که افزایش منابع قدرت مهمترین عامل برای مقابله با خشونت مردان است. زنان در بسیاری از اوقات به دلیل فقدان منابع قدرت از جمله منابع مالی مجبور به تفویض اقتدار به مرد و پذیرش وضعیت اقتدارآمیز و رفتار خشونت‌آمیز مردان می‌شوند (درویش‌پور، ۱۳۷۸: ۵۴).

¹ William Goode

² Power

³ Sources

نظریه یادگیری اجتماعی

«تئوری یادگیری اجتماعی»^۱ از مبانی اصلی رفتارگرایی^۲ با حمایت از رویکردهای شناختی - که از ایده‌های اصلی تئوری رفتارگرایی است - مشتق گردید. در واقع این نظریه پلی است بین رفتارگرایی و تئوری‌های یادگیری شناختی^۳. این تئوری تعامل دوسویه‌ای است بین تأثیرات محیطی، رفتاری و شناختی. «تئوری یادگیری اجتماعی» متأثر از نظریه باندورا^۴ است که می‌گوید یادگیری از تجارب دست اول نیست، بلکه افراد از طریق مشاهده رفتار دیگران، ایده‌های خود را در خصوص اجراهای جدید توسعه می‌دهند. وی ۴ جزء ترکیبی یادگیری مشاهده‌ای یا مدل‌سازی را عبارت می‌داند از: ۱- دقت در رفتارهای مشاهده شده؛ ۲- نگهداری و بخاطر سپردن؛ ۳- بازتولید و تکثیر؛ ۴- انگیزه و محرک رفتار (دلیل رفتار). باندورا همچنین مفاهیم شناختی از جمله خود تنظیمی^۵ را که منجر به یادگیری اجتماعی عمیق‌تر در قلمرو شناختی می‌شود را کشف کرد. خودتنظیمی باور به ظرفیت‌های خود است که می‌تواند بر محیط و پیامدهای آن تأثیر بگذارد. (Lyons et al, 2012: 3).

رویکرد یادگیری اجتماعی قادر به تفسیر بسیاری از رفتارهای اجتماعی پیچیده مانند نقش‌های جنسیتی و رفتار اخلاقی است. به همین دلیل در سال ۱۹۸۶ از «نظریه یادگیری اجتماعی» به «نظریه شناختی اجتماعی» به عنوان توصیف بهتر چگونگی یادگیری از تجربیات اجتماعی تغییر نام داد. برخی انتقادات نظریه یادگیری اجتماعی ناشی از تعهد آن‌ها به محیط‌زیست به عنوان تأثیر اصلی بر رفتار است درحالیکه توصیف رفتار صرفاً از نظر طبیعت (زیست-شناسی) پیچیدگی رفتار انسان را محدود می‌سازد و احتمال بیشتری وجود دارد که رفتار ناشی از تعامل بین طبیعت (زیست‌شناسی) و پرورش (محیط) باشد. با این وجود «نظریه یادگیری اجتماعی» توضیحی کامل برای همه رفتارهای انسان نیست (Koutroubas, 2022: 321). نظریه مذکور براساس این ایده است که افراد تعاملات خود با دیگران را در یک بافت اجتماعی فرا می‌گیرند. به اعتقاد باندورا، رفتار در محیط از طریق فرآیند یادگیری مشاهده‌ای آموخته می‌شود و در تأثیر متقابل فرد، محیط و افراد از طریق خودتنظیمی کنترل می‌گردد. خود تنظیمی به فردی نیاز دارد که خود را مشاهده کند، درباره محیط و خود قضاوت کند و پاسخ دهد. به عبارت دیگر، افراد تحت تأثیر جهان پیرامون خود قرار دارند (Edinyang, 2016: 40). «نظریه یادگیری اجتماعی» مبتنی بر سه مفهوم یادگیری از طریق مشاهده^۶، تقلید^۷ و مدل‌سازی^۸ می‌باشد (Alshobramy, 2019: 11). این نظریه معتقد به رابطه سه عامل در مدل "علیت متقابل سه‌گانه" است: تأثیرات شخصی، تأثیرات رفتاری و عوامل محیطی (Koutroubas, 2022: 316). رفتارگرایان می‌گویند که یادگیری باید با تغییر دائمی در رفتار نشان داده شود در مقابل نظریه‌پردازان یادگیری اجتماعی معتقدند که به دلیل اینکه افراد می‌توانند از طریق مشاهده به تنهایی یاد بگیرند، یادگیری آنها لزوماً در عملکرد آن‌ها نشان داده نمی‌شود. بنابراین یادگیری ممکن است منجر به تغییر رفتار نشود و در نتیجه فرایند مدل‌سازی دنبال می‌شوند. باندورا

¹ Social Learning Theory

² Behaviorism

³ Cognitive Learning

⁴ Bandura

⁵ Self-Regulatory

⁶ View

⁷ Imitation

⁸ Modeling

نشان داد که شناخت نقش مهمی در یادگیری ایفا می‌کند (Lyons et al, 2012:3).

نظریه فمینیسم رادیکال

«نظریه فمینیسم رادیکال^۱: از تلاقی عمومی فمینیسم لیبرال^۲ و مارکسیست^۳ سرچشمه گرفت (Haradhan, 2022: 23) و در اواخر دهه ۱۹۶۰ ابتدا در نیویورک و بوستون آغاز شد و سپس به بقیه آمریکا و اروپا گسترش یافت. این جنبش پدرسالاری^۴ را عامل اصلی تبعیض و ستمگری علیه زنان می‌داند (Durismith et al, 2020: 15). فمینیسم رادیکال مبتنی بر این حقیقت است که نابرابری جنسیتی^۵ اساس همه نابرابری‌های دیگر و ستم علیه زنان است. جامعه پدرسالاری عموماً نظامی ناعادلانه و سیستم سلسله مراتبی سلطه مردان بر جنسیت زن است که در آن سرکوب علیه زنان صورت می‌گیرد و بر بقای تابعیت زنان تلاش می‌شود. نظام ارزشی جامعه پدرسالار تجربه و معنای احساسات متفاوت را برای مردان و زنان در الگوهای متفاوت خلق می‌کند؛ به طوری که تمایل به بیان جنسیت فرد متناسب با مفاهیم قطب‌بندی‌شده محدودیت‌های جنسی است. این مفاهیم در یک جامعه پدرسالار تأثیرات عمیقی بر ساختار جنسیتی، الگوهای تفکر، شخصیت و رفتار افراد دارد (Vukoicic, 2017: 35-41). بنابراین فمینیسم رادیکال بر مبنای جنبش آزادی زنان و یک سیاست متمرکز بر باورهای مشترک و تجربیات زیسته زنان تعریف می‌شود (Slai, 2020: 6). این حزب مخالف قدرت مردان و پدرسالاری و کسب امتیاز برای زنان در نظام اجتماعی است. این ایده براساس دو اصل استوار است: الف) زنان دارای ارزش مطلقاً مثبت هستند؛ ب) آن‌ها به دلیل نظام پدرسالاری در همه جا به شدت سرکوب می‌شوند. در این ایده پدرسالاری و تبعیض جنسی مهم‌ترین عامل ظلم علیه زنان هستند و هر دوی آن‌ها به ایجاد پدرسالاری در جامعه کمک می‌کنند (Haradhan, 2022: 16). چارچوب نظری فمینیسم رادیکال شامل سه مفهوم کلیدی پدرسالاری، قدرت و ستمگری است. در فمینیسم رادیکال، پدرسالاری جایگاه مرکزی را اشغال کرده که دلیل بر این است که چرا کشمکش قدرت میان دو جنس رخ می‌دهد. پدرسالاری به قدرت نیاز دارد. به همین دلیل سرکوب سیستم‌های کنترلی را حفظ می‌کند تا اهداف خود را حفاظت نماید. سومین مفهوم اساسی فمینیسم رادیکال، سرکوب^۶ است. در پدرسالاری، برتری مردانگی فقط از طریق سرکوب زنان به دست می‌آید (Vukoicic, 2017: 37-40). فمینیست‌های افراطی معتقد بودند که مسئله موجود اصلاح سیستم نیست، بلکه ریشه‌کن کردن ساختارهای قدرت پدرسالاری است (Durismith et al, 2020: 23-24). فمینیست‌های افراطی بر این باورند که زنان تنها برابر نیستند، بلکه اعتقاد به برتری مادرانگی یا زنانگی بر مردانگی دارند. آن‌ها می‌خواهند زندگی زنان و جامعه را از طریق اقدامات رادیکال تغییر دهند. (Haradhan, 2022: 16).

روشناسی پژوهش

پژوهشگر در این مطالعه از روش گراند تئوری^۷ استفاده کرد تا بتواند از طریق توصیف فرایند آزار سایبری علل و عوامل موثر بر این پدیده و تعاملات قربانی با آن و پیامدهای فردی، خانوادگی و اجتماعی را بر روی وی

¹ Radical Feminism

² Liberal Feminism

³ Marxist Feminism

⁴ Patriarchy

⁵ Gender Inequality

⁶ Suppression

⁷ The grounded theory method

هرچه دقیق‌تر شناسایی و تحلیل کند. در تحلیل داده‌ها ابتدا اطلاعات و داده‌های حاصل از مصاحبه‌های انجام‌شده در نرم‌افزار مکس کیودا (نسخه ۲۰) پیاده شد. سپس داده‌های حاصل پس از کدگذاری، خرد و تحلیل گردید. سه نوع کدگذاری در روش زمینه‌ای (باز^۱، محوری^۲ و گزینشی^۳) تقریباً از نخستین گام‌های پژوهش آغاز و تا پایان پژوهش ادامه می‌یابد و محقق همزمان با گردآوری داده‌ها، تحلیل داده‌ها را نیز انجام می‌دهد. (اشتراوس و کوربین، ۱۳۹۷: ۱۲۳-۱۶۸).

اعتمادپذیری

لینکلن و گوبا معیارهای تحقیق کیفی را اعتبارپذیری، انتقال‌پذیری، اتکاپذیری و تاییدپذیری می‌دانند (لینکلن و گوبا، ۱۹۸۵، به نقل از حریری، ۱۳۸۵: ۶۴). در این مطالعه پژوهشگر از طریق توصیف کامل زمینه و شرایط پژوهش و جزئیات کامل مصاحبه مشارکت‌کنندگان سعی بر افزایش انتقال‌پذیری مطالعه داشت. تاییدپذیری^۴ جایگزین عینیت است. در پژوهش کیفی به جای اینکه تاکید بر پژوهشگر باشد، متوجه داده‌ها و تاییدپذیری آنهاست. محقق بر اساس مقایسه تحلیلی سعی کرد تا ساختار کدها و تم‌های استخراج‌شده را با داده‌های خام دائماً مقایسه کند. اتکاپذیری^۵، یکی از راه‌های دیگر ارتقای باورپذیری است و تکنیک زاویه‌بندی از طریق کنترل کردن یافته‌ها، تفاسیر و کدهای استخراجی با مشارکت‌کنندگان را شامل می‌شود. در اینجا محقق از متون تخصصی و افراد آگاه و خبره در این حوزه استفاده نمود. این اطلاعات جمع‌آوری‌شده با استاد راهنما در میان گذاشته شد و با هدایت ایشان کار برای دو نفر از دانشجویان دکتری که با روش نظریه بنیانی رساله‌های خود را به انجام رسانیده بودند، ارسال و از تجارب و نظرات اصلاحی آنها جهت افزایش اعتمادپذیری تحقیق استفاده گردید.

جامعه مورد مطالعه

زمینه پژوهش در مطالعه حاضر، فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی است و جامعه هدف پژوهش متشکل از زنان جوان سنین ۱۸ تا ۳۵ سال می‌باشد که قربانی آزار سایبری شده‌اند. بنابر قانون جمهوری اسلامی ایران، مصوبه جلسه سی و هشتم «شورای عالی جوانان» - مورخ ۱۳۹۷/۹/۱۰ - دانه سن جوانی، بازه سنی ۱۸ تا ۳۵ سال تعریف شده است. معیارهای مورد نظر در انتخاب مشارکت‌کنندگان عبارت بود از: ۱- دختران و زنان در سنین ۱۸ تا ۳۵ سال که طی دو سال گذشته، به‌صورت مستمر یا برای مدتی از سوی یک یا چند نفر از طریق ایمیل یا شبکه‌های اجتماعی مختلف مورد آزار و اذیت‌های سایبری قرار گرفته‌اند؛ ۲- توانایی ادراکی برای شرکت در مصاحبه با پژوهشگر و صحبت کردن از تجربه و فرایند متحمل شدن آزار و اذیت سایبری از سوی مردان؛ ۳- رضایت آگاهانه و تمایل شرکت‌کنندگان به انجام مصاحبه و قرار دادن آزادانه اطلاعات در اختیار محقق با اطمینان از حفظ حریم شخصی خود و محرمانه بودن مصاحبه.

روش انتخاب مشارکت‌کنندگان در تحقیق

در پژوهش حاضر از نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد که در آن پژوهشگر ویژگی‌های مورد نظر را مشخص

¹ Open Encoding

² Axial Encoding

³ Selective Encoding

⁴ Confirmability

⁵ Credibility

می‌کند و افراد دارای آن ویژگی‌ها را می‌یابد (محمدپور، ۱۳۹۲: ۳۰۹). در این رابطه محقق از راهبرد موردهای دم دست برای انتخاب مکان‌هایی استفاده کرد که می‌توانست در آنها به مشارکت‌کنندگان دسترسی راحت‌تری داشته باشد. راهبرد حداکثر گوناگونی نیز برای یافتن نمونه‌های گوناگون جهت انعکاس دیدگاه‌های مختلف مورد استفاده قرار گرفت. در نمونه‌گیری گلوله برفی، موردهای مصاحبه از طریق معرفی افرادی که قربانیان مزاحمت‌های سایبری را می‌شناختند، شناسایی شدند. محقق در نمونه‌گیری نظری نیز که مبتنی بر مفاهیمی است که در جریان پژوهش از طریق روش تحلیل مقایسه‌ای ثابت شکل می‌گیرد به سراغ افراد و رویدادهایی رفت که امکان مقایسه را به حداکثر برساند و مقوله‌ها را غنی سازد. نمونه‌گیری تا زمانی ادامه یافت که هیچ مفهوم جدیدی در خلال گردآوری داده‌ها ظهور نکرد. به این ترتیب محقق با ۳۰ مورد مصاحبه به اشباع نظری دست یافت.

شیوه اجرای پژوهش

پژوهشگر برای گردآوری داده‌ها از ابزار مصاحبه عمیق از نوع نیمه‌ساختارمند^۱ استفاده کرد و ضمن حفظ انعطاف‌پذیری با چند سرفصل کلی و بدون مجموعه سوالات از پیش تعیین‌شده، تنها با یک پرسش‌نامه باز دارای ۶ سوال کلی از مشارکت‌کنندگان خواست تجربه خود را در این زمینه ارائه نمایند. نمونه‌ای از سوالات مطرح شده عبارت است از:

سوال اول: موضوع و میزان فعالیت شما در شبکه‌های اجتماعی و سطح ملاحظات فرهنگی شما در چه حد بود؟ (شرایط زمینه‌ای)؛ سوال دوم: مزاحمت سایبری به دلیل چه علل و عواملی پدید آمد و چگونه شکل گرفت؟ (شرایط علی)؛ سوال سوم: این مزاحمت‌ها چگونه ادامه یافت و تا کجا پیش رفت؟ (شرایط مداخله‌گر)؛ سوال چهارم: چه راهبردهایی در خلال این فرآیند به کار گرفته شد و قربانیان چگونه با آن مواجه شدند؟ (راهبرد ها- راهبردها و تعامل‌ها)؛ سوال پنجم: چه پیامدهای فردی، خانوادگی و اجتماعی برای قربانی به‌جای گذاشت؟ (اثرات)؛ سوال ششم: مهمترین بخش در این فرآیند به نظر قربانی چه بود؟ (پدیده محوری). بازه زمانی انجام مصاحبه‌ها از بهار سال ۱۴۰۰ آغاز شد و اوایل زمستان ۱۴۰۱ به پایان رسید. این مصاحبه‌ها با ۳۰ مشارکت‌کننده بین مدت ۴۰ تا ۹۰ دقیقه، به‌صورت رو در رو انجام شد. در موارد زیادی نیاز به مراجعه مجدد به پاسخگو احساس شد که مصاحبه دوم از طریق ایمیل، شماره وات‌ساپ، تلگرام یا پیج اینستاگرام صورت گرفت.

یافته‌های پژوهش

پژوهشگر در کدگذاری باز به ۳۴ مقوله فرعی رسید و در مرحله بعد طی کدگذاری محوری به ۶ مقوله اصلی دست یافت. محق سپس در مرحله سوم-کدگذاری انتخابی، مقوله‌ها را یکپارچه کرد و آنها را حول یک مقوله مرکزی^۲ که قدرت تبیین بیشتری داشت، گرد آورد و به مقوله هسته‌ای یا محوری رسید. مقولات به‌دست آمده در هر مرحله به شرح جدول زیر آمده است:

^۱Semi-Structured Interview

^۲ Central Category

کاوش کیفی فرایندهای آزار سایبری در میان زنان جوان

جدول ۱: کدگذاری باز، محوری و انتخابی

ردیف	کدگذاری باز	کدگذاری محوری	کدگذاری انتخابی
۱	شکاف بین فرد و خانواده	بافت سنتی خانواده و اجتماع	آگاهی دوباره زنان و بازاندیشی هراس‌های نیمه تشخیص داده‌شده
	انگیزه‌های تا آنکه		
	اولویت مردانگی بر زنانگی		
	بافت سنتی جامعه		
	ساخت سنتی خانواده		
۲	رهیافت احساسی و ترغیب قربانی	تجربه موقعیت‌های بحث‌انگیز	
	اتخاذ رهیافت سرکوب و فاصله‌گذاری عامدانه با قربانی		
	تمهیدات برقراری رابطه نزدیک با قربانی		
	هاله‌پوشی و نمایش خود وانمودی		
	رهیافت تعقیب قربانی		
۳	تاثیرگذاری بر اساس برساخت ذهنی از قربانی	تجلی مناسبات مبتنی بر تهدید و فشار بر قربانی	
	رویه‌های ناپیوسته آزارگری		
	اتخاذ رهیافت نامتعارف نسبت به قربانی		
	اتخاذ رهیافت تهدید هدفمند قربانی		
	اعمال آزارگری هدفمند نسبت به قربانی		
۴	تهدید و اقدام به شایعه‌پراکنی و انگ‌زنی نسبت به قربانی	عقلانی مبتنی بر داغ احتمال بی‌اعتباری	آگاهی دوباره زنان و بازاندیشی هراس‌های نیمه تشخیص داده شده
	اتخاذ رهیافت فایده‌مندانه و ابزارانگارانه نسبت به قربانی		
	اتخاذ رهیافت متعارف در برابر آزارگر		
	اتخاذ رهیافت هنجارمند در برابر آزارگری		
	اتخاذ رهیافت پیشگیرانه در برابر آزارگری		
۵	اتخاذ تدابیر محافظه‌کارانه در برابر آزارگری	اتخاذ رهیافت مقابله تحقیق‌آمیز در برابر آزارگر	
	اتخاذ رهیافت بازاندیشانه در برابر آزارگری		
	کنش بر اساس هراس از بی‌آبرویی		
	اتخاذ رهیافت مقابله متعارف در برابر آزارگری		
	اتخاذ رهیافت مقابله تحقیرآمیز در برابر آزارگر		
	اتخاذ رهیافت مقابله خشونت‌آمیز در برابر آزارگری	قاطعانه با آزارگری	

اتخاذ رهیافت مقابله قانونمند در برابر آزارگری	
اتخاذ رهیافت مقابله حسابگرانه در برابر آزارگری	
اثرات جسمانی، روحی - روانی و تاثیر بر زندگی شخصی	اثرات فردی،
قربانی	خانوادگی و
اثرات خانوادگی بر قربانی	اجتماعی بر قربانی
اثرات اجتماعی بر قربانی	

مقولات محوری تحقیق

در ادامه به تفکیک به بخش‌هایی از مصاحبه‌های مرتبط با مقولات محوری پرداخته می‌شود:

۱- بافت ستنی خانواده و اجتماع

مهسا ۲۲ سال داشت. دانشجو و مجرد بود. او در خانواده‌ای متعصب زندگی می‌کرد و خیلی هم اهل درس و مطالعه بود. او در توصیف اجتماع ستنی که در آن زندگی می‌کرد، گفت:

«تو شهرمون به نسبت روی مسائل ناموسی متعصب هستند و اگه خانواده ت می‌فهمیدن با پسر دوست بودی، با خودت حتما می‌گفتی وای چه بلایی سرت میاد. اما این برای پسرا فرق داشت. کلا دختر با پسر توو فرهنگ ما خیلی نابرابرند و توو همه چی حتی احترام اجتماعی اونا پیش هستند. توو اینجور موضوعات اصلا با خانواده م حتی صحبت نمی‌کردیم، خیلی اختلاف عقیده داشتیم. ولی طبق چیزایی که اطرافم اتفاق می‌افتاد مثلاً می‌شنیدم فلانی با کسی دوسته یا توو جمع دوستانه مثلاً می‌گفتند فلانی با فلانی حرف می‌زنه و که خب موضوع جذابی بود برای هر دختری و برای من هم. منتهای من اصلاً قصد شروع رابطه‌ای با ایشون رو نداشتم صرفاً برای اینکه برام موضوعی متفاوت و هیجان‌انگیز بود، شروع کردم».

۲- تجربه موقعیت‌های بحث‌انگیز

مریم ۳۱ سال داشت و مجرد و دارای مدرک کارشناسی ارشد بود. مریم محقق بود و با موضوعات مدنی و سیاسی و دینی در فضای مجازی فعالیت زیادی داشت. او در این رابطه در بخشی از مصاحبه گفت:

«برای موضوع یکی از پژوهش‌هام با مدیر یه شرکت بزرگ از طریق ایمیل ارتباط گرفتم و به علت جذابیت موضوع و استفاده‌ای که می‌شد از این کار برای شرکت بیره، با من همکاری شد. این همکاری با پیشنهادات خوب پیشرفت کاری در موضوعات بعدی همراه شد. با مسئول این کار و وات‌س‌پ در ارتباط بودیم و ایشون ظاهراً عکس پروفایل من رو پسندیده بود و شاید احساس می‌کرد من ممکنه پا بدم به رابطه. ارتباط به دلیل موضوع کاری به تدریج گسترده‌تر شد و من رو هم در اینستا پیدا کرد و اد کرد. ایشون توو یکی از تماس‌ها برای صحبت کاری دعوت شخصی کرد و من رک ادامه کار رو در شکل رسمی مطرح کردم. ایشون پیج من رو دنبال می‌کرد. در ادامه کار به شرط پذیرش ملاقات خصوصی از پست‌های من سوء استفاده کرد و چند باری که از من کم محلی دید؛ یه بار پیام گذاشت: من صاحب ۲ تا شرکت، انقدر قدرت دارم که بتونم هرکاری بخوام بکنم. یادت که نرفته امتیاز ثبت شرکت رو گفته بودم از یه آقا زاده گرفتم. ایشون خواست جایگله ش رو بمن تذکر بده و من رو تحقیر کنه و از طرفی هم از من به جهت فعالیت هام آتو داشته باشه».

۳- تجلی مناسبات مبتنی بر تهدید و فشار بر قربانی

محبوبه ۲۸ سال داشت. مطلقه و وکیل بود. فعالیت او در فضای مجازی تا حدودی زیاد بود و ملاحظات فرهنگی را هم تا حدودی در نظر می‌گرفت. وی در بخشی از مصاحبه می‌گوید:

«شخصی در ابتدا با موضوع کاری با من تماس گرفت. ایشون شخصیت با نفوذی بود و توو دم و دستگاه سیاسی بود. با وکیل و قاضی هم در ارتباط بود و وارد به مسائل حقوقی هم بود، اما برای کارش نیاز بود که یه وکیل کارهایش رو به لحاظ اداری امضا کنه. در فرایند انجام پرونده، ایشون معمولاً به صورت غیررسمی مسائل رو حل می‌کرد. تا اینکه با شهرداری برای چندمین بار به مشکل برخوردند و ایشون کاری از من خواست که تخطی بزرگی بود و مطمئن بودم این دیگه مشکل ساز می‌شه برای من و قبول نکردم و ایشون کاملاً از موضع اش برگشت و علیه من شد. چند تا پیام گذاشت که شما داری کارای غیرقانونی انجام میدی و من پروانه شما رو باطل خواهم کردم. خب من میدونستم ایشون میتونه و قانونی هم اینکار رو میکنه. چون به کارش وارد بود. ایشون قاضی رو میدید و به نفع خودش رای می‌گرفت. منکه دیگه گنده‌تر از اون نبودم. در نهایت ناجوانمردی نوشت که درخواست به فلان جان رو برمی‌گردونم. تهدید مالی کرد که پولت رو نمیدم. چند وقت بعد، گفت شما ارتباط داری با موکلات و کار چاق کن هستی و من علیه لت شکایت می‌کنم. گفتم خود شما به من گفتی فلان کار رو بکنم، فلان امضا رو بکنم و! ... گفت من بگم، شما نباید انجام میدادی. ایشون تهدیدش رو عملی کرد و من رو سر زبونا انداخت که ارتباط مب‌گیرم با موکل ویه بار به سیم آخر زد و گفت: پرونده وکالت شما رو باطل می‌کنم، من توو کانون وکلا فلان می‌کنم، ممنوع الکارت می‌کنم. ایشون تهدید هاش رو عملی کرد که منو برسونه به نقطه‌ای که تسلیم شم».

۴- اتخاذ رهیافت کنش عقلانی مبتنی بر داغ احتمال بی‌اعتباری

میترا ۲۶ سال داشت. آرایشگر بود و مدرک کاردانی داشت. او مجرد بود و خانواده‌ای نیمه سستی داشت و فعالیتش در شبکه‌های اجتماعی تا حدی زیاد بود و تا حدودی هم رعایت هنجارهای فرهنگی را می‌کرد. او در بخشی از مصاحبه گفت:

«من تازه سالن م رو منتقل کردم به یه ساختمان که اکثراً دفاتر شرکت خصوصی اونجا بود. وقتی توو ساختمان متوجه شدند من مشتری مرد هم یه تعدادی دارم. یه نفر شروع کرد به ایجاد مزاحمت با هدف برقراری ارتباط با من و راه پیدا کردن به سالن ام. از روی کارت ویزیتم شماره من رو پیدا کرده بود. با شماره ایراسل پیام گذاشت و درخواست وقت کرد. نوشتم خودشو معرفی کنه، اما نکرد. گفتم مشتری آقا قبول نمی‌کنیم. گفت: دیدم که داری. جواب ندادم که صحبت بیشتری هم پیش نیاد. اصرار برای معرفی‌ش نکردم که فکر نکنه برام مهمه. چون هر ازگاهی پیام هاش مضامین عاطفی و عشق و عاشقی هم داشت. تا اینکه یه بار نوشت، در سالت رو می‌بندم. نوشتم به چه حقی؟! گفت: اینجا محل تجاریه، رفت و آمد خانما با این سرووضع بخصوص که مشتری آقا هم داری کفایت میکنه برای بستنش!. فهمیدم قصدش اینه منو تحت فشار بذاره. برای همین مجبور شدم برای اینکه مشکلی درست نشه برام، مدتی مشتریای آقا رو کنسل کنم. به شاگردام هم گفته بودم که لباس و ظاهر ناجور نباند سالن. من آدرس پیچ ام رو هم توو کارت ویزیت گذاشته بودم. مدتی بعد ظاهرها ایشون بود که کامنت گذاشت اونجا یه اسم خیلی زشتی نوشت که اونجا فلان جاست و مرد و زن مشتری هستند. من بلاکش کردم. بر خلاف هدف کاریم پیچ ام رو مجبور شدم خصوصی کنم. کمی گذشت دیدم توو وات سپ پیام اومده که استشهاده محلی درست می‌کنم. ازینجا بلندت می‌کنم. اینجا محیط مردونه ست و جای آرایشگاه زنونه نیست. نمیتونستم ازش شکایت کنم، چون با استشهاده

میشد مشکل برای من درست کنه. از طرفی ام اجاره مکانی که گرفته بودم کم نبود و از کارم توو اون محل راضی بودم و ضرر زیادی می‌کردم آگه ازونجا بلند می‌شدم. سعی کردم تا حد ممکن ملاحظه کنم. اما دست برنداشت. ظاهراً به مشتری اومده بود توو سالن از طرف ایشون، فیلمی از من و شاگردام فرستاد برام و گفت شاگرد و مشتری و همه رو میپرونم از دور و برت. هرچی فکر کردم و مشورت کردم دیدم اونجا جای موندن نیست، بخصوص که آبروریزی داره درست میکنه حتی برای شاگردام، بهتره پاشم از اونجا».

۵- اتخاذ رهیافت مقابله قاطعانه با آزارگری

زهره ۲۲ سال داشت، مجرد و دارای مدرک لیسانس بود. در خانواده سستی بزرگ شده بود. زهره در فضای مجازی فعالیت تا حدود زیادی فعالیت داشت و تا حدودی هم ملاحظات فرهنگی را رعایت می‌کرد. او در مصاحبه‌اش گفت:

«من به پیج اینستاگرام شخصی دارم که عکس‌های خودم رو اونجا دارم؛ پروفایل واتساپ و تلگرام ام هم برای مخاطبین قفله. به بار دیدم که یکی برای من پیچی توو دایرکت فرستاده. از روی کنجکاوی پذیرفتم، بازش کردم دیدم عکسای منه و اسم پیج هم بود: misszahra8585 چند تا آقا که قابل شناسایی نبودند هم آمده بودند زیرش نوشته بودند: جون، چه دافی، چه هیکلی و... براش پیغام گذاشتم و باهاش دعوا کردم که به چه حقی عکسای من رو برداشته و پیج زده. اونم با بی‌خیالی جواب می‌داد و در نهایت وقاحت می‌گفت: می‌خواستم با عکسات پول در بیارم و ... در واقع می‌خواست ازین طریق منو طرف خودش بکشونه تا من مجبور شم بپذیرم و ایشون عکسا رو برداره. تصمیم گرفتم هرچه زودتر شکایت کنم. رفتم پلیس فتا؛ گفتند ۵۰-۵۰ ممکنه نتیجه بگیري. چون این جور مسائل رو زیاد دیگه پیگیری نمی‌کنند. از یه طرف دیگه، رفته بودم کلانتری شکایت را انجام بدم. افسر کلانتری گفت: حالا چرا ۱۵۸۵؟! بعد رفتم پیش قاضی، ایشان گفت مشکل‌تون چیه؟ گفتم که این مسئله پیش آمده و گفت: ما پیگیری می‌کنیم این قاضی هم یک آدم جوان بود. به من گفت که دقیقاً با همین لحن: به کی گفتی نه رفته با عکسات پیج زده می‌خواود تلافی کنه؟ ایشون گفت: بین خواه‌زاده من هم دقیقاً هم اسم توست، مثل تو شده خودش؛ بعد یه مدت خسته میشه جمعیش میکنه پیج رو. یعنی من توی این پروسه ای که خواستم شکایت بکنم، بیشتر روحم ضربه دید با اینکه بخوام این قضیه رو درستش کنم. بعد از اونم حکم اومد که چون شما در اختیار خودت گذاشتی و کسی از تو از تو گوشت این‌ها رو نذریده و خودت گذاشتی تو فضای مجازی، یعنی اجازه اینو دادی که بقیه ام از عکسات استفاده کنند؛ پ شکایت نمی‌تونی بکنی. این قضیه رو حتی با این که مجدداً اعتراض زدم، پیگیری نکردند. یعنی گفتند با اینکه من از یه وکیل پرسیده بودم و می‌دونستم این جرمه که از عکس‌های شخصی، هویت و پروفایل شخصی من استفاده می‌کنه اما فایده ای نداشت. بخاطر اینکه خیلی حالم بد بود و دینبال راه حلی بودم با دوتا از دوستای دیگه مهم در میون گذاشتم، به این نتیجه رسیدیم یکم باهاش همراه شم ببینم کیه و از اون طریق بتونم شکایتم رو پیگیری کنم. بعد از انهمه پیام و دعوا باز به همون پیج ش پیغام زدم و نوشتم تو رو خدا اذیتم نکن، من آبرو دارم و .. گفت چیزی نشده، دیر نیست، میتونی بیای پیشم. وقتی گفت من کی هستم و شماره داد و من برگه‌های شکایت رو براش فرستادم و نوشتم جرم کمی نیست! گفتم پیج رو همین الان پاک کن، گفت باشه اومدی پیش خودت پاک می‌کنم».

۶- اثرات فردی، خانوادگی و اجتماعی بر قربانی

سمانه ۲۵ سال داشت. او مجرد، دارای مدرک کاردانی و بیکار بود. خانواده او متعصب بودند و در اجتماع

ستی زندگی می‌کرد. او در فضای مجازی زیاد می‌چرخید، اما فعالیت خاصی نداشت. تا حد زیادی هم هنجارهای فرهنگی را رعایت می‌کرد. او در بخشی از مصاحبه خود گفت:

« وقتی اون آقا مزاحمت‌هاش زیادت‌تر شد، گرچه وایسادم جلوش، اما خیلی عصبی شده بودم. اصلاً تمرکز نداشتم و احساس می‌کردم خرد و خاکشیر شدم، بی شخصیت شدم که کسی به خودش اجازه می‌ده با من اینطوری رفتار کنه و حرف بزنه. خانواده م از قبل کلاً حساس بودند روی دختر و من بخصوص که یکم جسور بودم توو تجربه چیزای جدید و ارتباط با آدمای جدید چون همیشه دوست داشتم دنیای آدمای رو کشف کنم. ولی بعد از اینکه بو برده بودند که من با کسی ارتباط گرفتم گرچه هیچ چیز دیگه ای نمی‌دونستند؛ خیلی خیلی حساس‌تر شده بودند. مدتی که رفتارشون با من عوض شده بود و تحویل نمی‌گرفتند، اما اصلاً به روی من نیاوردند تا همین الانش. من از رفتارای پدر و مادرم هم آرامش نداشتم، من رو محدود کرده بودند، مثلاً دیگه اینکه با دوستانم برم بیرون یا تا دیروقت یا زیاد بمونم بیرون، دیگه اینطوری نبود. اون روزا اگه صبا (دوستم) نبود، من دیوونه شده بودم. گاهی وقتا بی اختیار یادش می‌فتم عصبی میشم بخصوص که من توو خونه هم خیلی بی توجهی بهم شد. بعد از اون جریان و محدودیت‌هایی که به‌وجود آوردند منو خیلی آزار داد. یادمه تا مدت‌ها هرکی زنگ می‌زد، مامانم سعی می‌کرد زود قطع کنه یا به خواهرم می‌گفت فلانیه جواب نده یا... رفت و آمدمون کمتر شده بود، مدتی که اصلاً مهمونی نمی‌رفتیم نه می‌ومدیم با وجودی که اصلاً کسی نفهمیده بود چه اتفاقی افتاده، فقط فکر می‌کردند که من با ایشون دوستم. از اون موقع تا الان، من خیلی محتاط شدم. خیلی وقتا الکی می‌ترسم. مثلاً اگه کسی درخواست دوستی توو اینستا می‌ده، همه ش احساس می‌کنم یکی از طرف اون آقاست».

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف واکاوی تجربه زیسته زنان قربانی آزار سایبری در پارادایم تفسیرگرایی با رویکرد کیفی و روش نظریه داده‌بنیاد انجام شد. اطلاعات و داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها در نرم‌افزار مکس کیودا (نسخه ۲۰) مشخصات کلی مشارکت‌کنندگان را عبارت می‌داند از: میانگین سنی قربانیان ۲۴ سال است که ۶۰ درصد آنها مجرد، ۲۵ درصد مطلقه و ۱۵ درصد متاهل بودند. تحصیلات مشارکت‌کنندگان از ۲۰ درصد کارشناسی ارشد، ۴۵ درصد لیسانس و یا دانشجوی لیسانس، ۲۰ درصد کاردانی و ۱۵ درصد دیپلم پراکنده بود. به لحاظ وضعیت اشتغال، ۵۵ درصد بیکار و ۴۵ درصد شاغل بودند. ۱۵ درصد مشارکت‌کنندگان در مصاحبه در خانواده‌های متعصب، ۶۵ درصد در خانواده‌های سستی و ۲۰ درصد در خانواده‌های نیمه‌باز و باز زندگی می‌کردند. فعالیت ۱۵ درصد از مشارکت‌کنندگان در شبکه‌های اجتماعی، کم، ۶۵ درصد زیاد و ۲۰ درصد تاحدودی بود و از این تعداد ۵ درصد هنجارهای فرهنگی را در فعالیت‌های خود در شبکه‌های اجتماعی، زیاد، ۴۵ درصد کم و ۵۰ درصد تا حدودی رعایت می‌کردند. اطلاعات و داده‌های این مطالعه پس از جمع‌آوری بر اساس کدگذاری باز، محوری و گزینشی، تحلیل شدند و در پایان ۷۳۰ مفهوم به‌دست آمد. این مفاهیم حول ۳۴ مضمون (مقوله فرعی) دسته‌بندی شدند و در کدگذاری محوری ۶ مقوله محوری یا اصلی به‌دست آمد: ۱- بافت سستی خانواده و اجتماع، ۲- تجربه موقعیت‌های بحث‌انگیز، ۳- تجلی مناسبات مبتنی بر تهدید و فشار بر قربانی، ۴- اتخاذ رهیافت کنش عقلانی مبتنی بر داغ احتمال بی‌اعتباری، ۵- اتخاذ رهیافت مقابله قاطعانه با آزارگری، ۶- اثرات فردی، خانوادگی و اجتماعی بر قربانی. مقوله مرکزی در مرحله کدگذاری گزینشی با عنوان

«آگاهی دوطرفه زنان و بازنندیشی هراس‌های نیمه‌تشخیص داده‌شده»^۱ انتخاب گردید. پس از تجزیه و تحلیل کدهای به‌دست آمده، مدل پارادایمی طراحی شد که در ۶ دسته اصلی طبقه‌بندی می‌شود: شرایط زمینه‌ای، شرایط علی، شرایط مداخله‌گر، راهبردها، تعامل‌ها و پیامدها.

شرایط زمینه‌ای^۲، بیانگر مجموعه شرایط خاصی است که قربانی در آن زیست می‌کند و تعاملات و تأثرات ناشی از رخداد پدیده در آن بستر شکل می‌گیرد. مشخصات فرهنگی جامعه مورد مطالعه بر اساس نفوذ و تسلط مردانگی بر زنانگی، نابرابری و محدودیت‌های جنسیتی و اشکال سنتی انتظارات نقش‌های جنسیتی سیستم‌های کنترل غیررسمی استوار بود. از این رو بر اساس کدگذاری باز، «بافت سنتی خانواده و اجتماع» تحت یک واقعیت تعیین‌کننده در فرایند آزار و اذیت سایبری به عنوان شرایط زمینه‌ای که به عبارتی حقیقتی از فراگرد ارتباطات است، در نظر گرفته شد. مقوله مذکور و شرایط زمینه‌ای همچنانکه در «نظریه یادگیری اجتماعی» تاکید می‌شود، اساس فراگیری در طول جامعه‌پذیری از طریق مشاهده و تقلید است. در این نظریه رفتار هم از طریق تقلید (تقلید رفتار اعضای خانواده یا دیگران) و هم از طریق تجربه‌های غیرمستقیم فرا گرفته می‌شود. (فوروارد، ۱۳۷۷: ۱۷۷). نکته اصلی در این نظریه این است که افراد رفتارها را در طول تعامل خود و طی فرایندهای خاصی در بستر اجتماعی یاد می‌گیرند (افشاری، ۱۳۸۸: ۳۷). همچنین طبق نظر هیندلانگ در «تئوری سبک زندگی - فعالیت روزمره»، این مسئله که افراد، وضعیت اقتصادی اجتماعی و جمعیت‌شناختی متفاوتی دارند و متناسب با آن انتظارات اجتماعی و فشارهای ساختاری را می‌پذیرند، مسئله‌ای محوری است. این وضعیت بر نحوه انتخاب سبک زندگی افراد و رفتارهای متفاوت‌شان بسیار تأثیرگذار است (Kennedy and Tita, 2002: 275) این نکته موید این موضوع است که شرایط اجتماعی و محیطی به افراد می‌آموزند تا در موقعیت‌های مزاحمت چگونه رفتار کنند. کارکرد و تأثیر شرایط زمینه‌ای با عنوان «بافت سنتی خانواده و اجتماع» در مطالعه مذکور با یافته‌های مطالعات خواجه‌وندی، احمدی و ابراهیمی (۱۳۹۹) در تأثیر حمایت خانواده و خودپنداره اجتماعی بر قربانی شدن و نتایج مطالعه ویرجینیا (۲۰۲۱) در میزان حضور، اتخاذ راهبردهای اجتنابی، هم‌نواپی و عدم‌مخالفت با دیگران در فضای مجازی بر بزه‌دیدگی ناشی از مزاحمت هم‌سوست.

شرایط علی^۳، مجموعه اتفاقات و ارتباطاتی در نظر گرفته می‌شود که مسائل و مشکلات مربوط به یک پدیده را ایجاد می‌کنند و منجر به بروز آن می‌شود. در این شرایط فرایند آزارگری بر اساس سنخ‌های اجتماعی زنانگی و برساخت‌های ذهنی متأثر از آن، نقش‌های جنسیتی مورد انتظار که تعیین‌کننده چرایی و عوامل ظهور پدیده، محدودیت‌های فرصتی در مناسبات اجتماعی افراد، توالی‌های کلیشه‌ای حاکم، تجلی واقع‌بودگی انتظارات اجتماعی، آیین‌باوری و تعین‌گرایی جامعه سنتی رویارویی‌ها و جهت‌گیری‌های احتمالی و نسخه‌های کنشی بین دو جنس در پیکره اجتماع هدایت می‌شود و چگونگی عکس‌العمل افراد نسبت به پدیده را متأثر می‌کند. از این رو مقوله «تجربه موقعیت‌های بحث‌انگیز» به عنوان شرایط علی در نظر گرفته شد. در این رابطه نحوه درک جنسیت و نقش‌های جنسیتی در زندگی روزمره تأثیر زیادی از عوامل اجتماعی دارد و رابطه زیادی با مباحث قدرت و موقعیت در جامعه دارند تا جایی که بی‌هدف‌ترین و سرسری‌ترین صحبت‌های روزمره نیز مستلزم به‌کار بستن فهم و دانش مشترک پیچیده از سوی طرفین است (گیدنز، ۱۳۹۴: ۱۲۵ و ۱۲۴). همین امر رابطه بین سبک زندگی و سرمایه فرهنگی را به

^۱ plit awareness and h reflexivity of partially diagnosed fears

^۲ Context Conditions

^۳ Causal conditions

موضوع محوری تبدیل نموده است. سبک زندگی امکان تعامل جوانان با شرایط ساختار اجتماعی را فراهم می‌سازد و انطباق با ساختار یا دگرگونی آن، نتیجه سبک‌های زندگی است. جوانان محدودیت‌های اجتماعی را تجربه می‌کنند و در همان حال، از آزادی عمل نیز برخوردارند (ذکایی، ۱۳۸۱: ۲۳). «تئوری سبک زندگی - فعالیت روزمره» با نشان دادن اینکه تفاوت‌های سبک زندگی تا چه میزان افراد را به بزه‌دیدگی، نزدیک یا از آن دور می‌سازد و تاثیر فعالیت‌های روزمره افراد در تعیین موضع و واکنش آنها نسبت به تعرض و مزاحمت‌ها (Hindelang, 1978:240-242) با نتایج مطالعه حاضر هم‌پوشانی دارد. مقوله تجربه موقعیت‌های بحث‌انگیز و شرایط علی‌یادشده با یافته‌های مطالعه علی‌وردی‌نیا و سپاه‌کلودی (۱۳۹۸) در تایید نقش سبک زندگی آنلاین، محافظت آنلاین و در معرض دید بودن قربانی در بزه دیدگی، یافته‌های مطالعه فاطمی‌نیا و توکل (۱۳۹۸) در رابطه سبک زندگی آنلاین، ریسک‌پذیری و ماجراجویی بر تعرض سایبری و نتایج تحقیق فرانسیسکا (۲۰۲۱) در فصل مشترک مطالعات آزار سایبری در اتخاذ رهیافت تعقیب و سرکوب قربانیان همسوست.

شرایط مداخله‌گر^۱ در مدل پارامی به‌دست آمده، مجموعه‌ای از شرایط تعریف می‌شود که منجر به تشدید، تضعیف یا تغییر تاثیرات شرایط علی در پدیده مورد مطالعه می‌شوند. در این شرایط مناسبات آزارگر با قربانی با اتخاذ رهیافت‌های شدیدتر به‌منظور چیرگی بر قربانی و ایجاد فشار مضاعف بر وی، آشکارا از راه تهدید، شایعه‌پراکنی، انگ‌زنی، ایجاد هراس و ... همراه می‌شود. عوامل مداخله‌گر با انگیزه‌های کلی ایجاد احساس دلهره و مخاطره در قربانی و هاله‌پوشی، رویه‌های آشکارتری را در آزارگری اتخاذ می‌کند و به‌واسطه قابلیت‌های برتری و تسلط جنسیتی، عرصه ارتباط آزادانه و برابرانه را تحدید می‌کند. مقوله «تجلی مناسبات مبتنی بر تهدید و فشار بر قربانی» برآیند شرایط یادشده می‌باشد. در «نظریه منابع»، نابرابری ارتباط بین زن و مرد حاصل تضاد قدرت در کسب منزلت مهم‌تری از طریق توسل به امکانات مختلف در مسلط‌شدن بر دیگری و نیل به اهداف خود است (چلبی، ۱۳۸۵: ۲۳۰). در جوامع مردسالار منابع زیادی از جمله قدرت اقتصادی، عقیدتی، حقوقی و عاطفی برای نگهداشت آن به کار می‌رود (ریترز، ۱۳۸۳: ۴۹۰). بنابراین سطوح نابرابری در جامعه به‌ویژه برتری مردان در دسترسی به منابع مختلف قدرت و توسل به انواع کنش‌ها به‌منظور نگهداشت آن و نیل به اهداف خود، آزارگری علیه زنان را تبیین می‌کند و بخوبی موضوع مطالعه حاضر را تحلیل می‌نماید. از منظری دیگر مطابق با مبانی «نظریه سبک زندگی - فعالیت روزمره»، بزه‌دیدگی بیشتر نتیجه رفتارها و تعاملات بزه‌دیده بالقوه است. ادعای اصلی «نظریه سبک زندگی» این است که افراد بزه‌دیده با گزینش سبک خاصی از زندگی، بر احتمال بزه‌دیدگی خود می‌افزایند (مالمیر و زرخ، ۱۳۸۹: ۷۵). این ادعا را می‌توان این گونه تفسیر نمود که در جامعه امروز، افراد چه مستقیماً به فضای سایبر دسترسی داشته باشند و چه با واسطه، به نوعی امکان بزه‌دیده شدن آنها وجود دارد. دیدگاه‌های مطروحه در «نظریه سبک زندگی» - فعالیت‌های روزمره به دنبال یافتن علل بزه‌دیدگی افراد و ارائه راهکارهایی محیطی در مورد پیشگیری از تحقق بزه‌دیدگی می‌باشد. بنابر «نظریه سبک زندگی روزمره»، نوع فعالیت‌های روزمره تاثیر مستقیمی بر فرایند بزه‌دیدگی در فضای سایبر دارند. این اندیشه‌ها با توجه به ویژگی‌های فضای سایبر و نیز ناآگاهی افرادی که در فضای سایبر فعالیت می‌کنند، عاملی در جهت بسط و توسعه دیدگاه‌های مطروحه در این نظریه شده و قابلیت انطباق این نظریه را با فضای سایبر و بزه‌دیدگان آن به نحوه چشمگیری افزایش داده است. مقوله فوق با عنوان «شرایط مداخله‌گر» با نتایج حاصل از مطالعات عباس‌نژاد

^۱ Intervening conditions

و شریفی (۱۳۹۸) در بررسی عوامل افزایش و فراوانی بزه‌دیدگی و نتایج مطالعه آلدراشه و آلرکت و ابوطایه (۲۰۲۱) در فراوانی آزارهای سایبری ازجمله بی‌اعتبار کردن، تمسخر، تحقیر، تهمت و دشنام، انتشار تصاویر و ویدئو، سطح بالای خشونت، از دست دادن هویت فرهنگی و تقلیل مهارت‌های ارتباط همسوست.

راهبردها و تعامل‌ها در مدل پارادایمی اشاره به این دارند که چگونه اشخاص با موقعیت‌ها، مشکلات و مسائل مرتبط با پدیده مواجه می‌شوند و نسبت به آن واکنش نشان می‌دهند. در این مدل قربانیان در دو دسته کلی با آزارگری رو به رو می‌شوند: ۱) توسل به کنش‌های متعارف و هنجارمند، پیشگیرانه و محافظه‌کارانه که عموماً مبتنی بر هراس از داغ احتمال بی‌اعتباری می‌باشد؛ ۲) اتخاذ رهیافت مقابله قاطعانه در برابر آزارگری که طیفی از مقابله متعارف، قانونی و حسابگرانه تا اعمال تحقیر و خشونت علیه آزارگر را شامل می‌شود. تحلیل و مقایسه این دو دسته از تاکتیک‌ها در مواجهه با آزارگری روایتگر این نکته مهم است که توسل قربانیان به واکنش‌های هنجارمند نسبت به آزارگر و اتخاذ تدابیر مختلف در این معنا و مفهوم بسیار بیشتر از ایستادگی در برابر آزارگر و مقابله آشکارا با آزارگری است. تمام نظریه‌های نابرابری جنسیتی، موقعیت و کنش زنان را پیامد رابطه قدرت مستقیم میان زنان و مردان می‌انگارند. این الگو به عمیق‌ترین و فراگیرترین اشکال در جامعه عجین شده و یک ساختار تسلط بنیادی بر الگوهای رفتاری زنان و مردان را تشکیل داده و انواعی از راهبردها را می‌آفریند و همین پدیده‌ها نیز به نوبه خود مردان و زنان را به انواع کنش‌ها سوق می‌دهد (ریترز، ۱۳۸۳: ۴۸۹-۴۸۳). «نظریه فمینیسم رادیکال» بر ساخت اجتماعی جنسیت و تفاوت‌های ذاتی میان مردان و زنان تاکید دارد (افشاری، ۱۳۸۸: ۴۱). این نظریه نشان می‌دهد که آزار و اذیت‌های سایبری علیه زنان به عنوان محصول یک نظام جنسیتی قلمداد می‌شود که به وسیله سلطه و هنجارهای مردانگی حفظ می‌گردد (یوگن و بلسکستون، ۲۰۰۴: ۸۳). یافته‌های حاصله با مطالعات تحقیق غفوری و صالحی (۱۳۹۹) در شناسایی فرصت‌ها و تهدیدهای در اختیار کاربران، اتخاذ راهبردهای مشخص و مواجهه با چالش‌ها در فضای مجازی، تأثیرات زمینه‌ساز دگرگونی ارزش‌ها و کنترل روابط و نتایج مطالعه رن (۲۰۲۱) در تایید وجود رابطه بین راه‌های مقابله با آزارگری و خودسانسوری در بزه‌دیدگی همسوست.

قربانیان در بازاندیشی پیرامون انتخاب نسخه‌های کنشی در برابر آزارگری با توجه به بسیج منابع، برخورد منافع و هراس از پیامدها و عواقب احتمالی هریک، بر مبنای اجبار بیرونی، الگوهای کنش عقلانی را با این انگیزه بر می‌گزینند که از داغ احتمال بی‌اعتباری بگریزند. در مواردی نیز زنان قربانی با آزارگر مقابله قاطعانه داشتند. آنان با اذعان به روشن‌اندیشی و انتخاب نسخه‌های کنشی مقابله‌گرایانه، قواعد نظم سستی را در معنای هنجارمندی انتظام اجتماعی شکستند و بر اساس برداشت برابرانگارانه از نقش‌های جنسیتی و بی‌معنا کردن حقیقت توافقی در زمینه تسلط مردانگی و هراس‌های منسوب به آن، نسبت به آزارگری واکنش نشان دادند و حتی متوسل به خشونت شدند. گرچه فراوانی مقابله قاطعانه با آزارگری زیاد نبود، ولی خود نشانه سطحی از ارتقای آگاهی زنان و دگردیسی معانی هنجارهای فرهنگی در اجتماع سستی دارد.

یافته‌های به‌دست آمده از مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که زنانی که مزاحمت سایبری بر نظم زندگی آنها تأثیر گذاشته، در بستر سستی با چالش‌های بنیادی روبه‌رو بودند؛ ازجمله مرد سالاری که آگاهانه یا ناآگاهانه بر روند معمول زندگی آنان سایه افکنده و کیفیت زندگی آنان را به‌ویژه در برخورد با مزاحمت‌ها و آزار و اذیت از سوی مردان دچار اختلال کرده بود. در واقع ریشه و علت فراوانی بالای اتخاذ تاکتیک رهیافت کنش عقلانی بر اساس داغ احتمال بی‌اعتباری از سوی قربانیان، بر ساخت ذهنی آنان از زنانگی و مردانگی و جامعه‌پذیر شدن آنها در فرهنگی بود

که به این ساختار ذهنی اعتبار می‌داد. به همین واسطه زنان معمولاً و نیز در موارد زیادی به صورت ناخودآگاه و برحسب عادت، تنظیمات الزام‌آوری بر خود و مناسباتشان اعمال می‌داشتند- که عملاً خواسته‌ها و اهداف آنان را سرکوب می‌کند و ساختمان ذهنی، احساس ارزشمندی و احقاق حق برابری آنها با مردان را متاثر می‌کند و این به نوعی به خود محدودسازی در زنان دامن می‌زند. معرفت ضمنی ناقص و فهم غلط از جنسیت و به تبع آن شرایط نادانسته کنش در فرهنگ‌های سنتی از سوی زنان زمانی که با تهدیدهای آشکار و ضمنی نسبت به حیثیت و آبروی آنان همراه می‌شود، عموماً ترس از بی‌اعتباری، ارتباط تحریف‌شده از سوی مردان را با سواری مجانی از زنان تقویت می‌کند. هراس از داغ احتمال بی‌اعتباری، نگرش و تجویزهای رفتاری نسبتاً یکدستی را بر جهان پردلهره و پرمخاطره زنان تحمیل می‌کند که منجر به بازتولید تجلی‌ها و نمونه‌سازی‌های مردانگی و ساختار تسلط و ستمگری بر زنان می‌شود. تجارب قربانیان از اتخاذ رهیافت متعارف و هنجارمند حکایت از انتخاب الگوهای واکنش عاداتی دارد که تجلی تمهیدات ناخودآگاه زنان در موقعیت‌های بحث‌برانگیز می‌باشد. به عبارت دیگر، شاخص تجربه تابعیت زنان در موضوع مورد مطالعه نشان از تفسیر و انگاره زنان از موقعیت از هر نظر بازنده دارد که اشاره به اصطلاح «مصیبت معروف دوگانه» می‌کند.

در انتهای مدل پارادایمی، پیامدهای پدیده مورد مطالعه آمده است که اثرات آزارگری و پیامدهایی حاصل از آن را بر روی قربانی ترسیم می‌کند و می‌توان آن را در ابعاد فردی، خانوادگی و اجتماعی دسته‌بندی کرد. تحلیل و بررسی محتوای مصاحبه‌ها و کدگذاری‌ها حاکی از این است که آزار و اذیت‌های سایبری تأثیرات ناخوشایند بسیاری از بعد جسمانی، روحی - روانی، زندگی شخصی، خانوادگی و اجتماعی بر قربانیان برجای گذاشته تا جایی که اثرات سوء آن تا مدت طولانی سلامت جسمی و روانی افراد را تحت تأثیر قرار داده و باعث شده تبعات آن برنامه‌های شخصی‌ای را که قربانی در مقطعی از زندگی امکان دنبال کردن آن را داشت، مسدود گرداند که گاه فرصت جبران آن از دست می‌رود و یا پیامدهای مالی و که جنبه‌های دیگر زندگی قربانی را که به طور مستقیم و غیرمستقیم به آن وابسته است، متاثر می‌کند. با توجه به محتوای مصاحبه‌ها و دغدغه‌های بیشتر قربانیان، مهم‌ترین و پرچالش‌ترین پیامد را می‌توان از دست دادن اعتبار و منزلت اجتماعی قربانی و خانواده وی دانست که گاه غیرقابل بازگشت خواهد بود و عواقب آن بعضاً پیوند اعضای خانواده را نیز از هم خواهد گسست.

بخش اعظم آگاهی دوباره زنان ریشه در هراس‌های نیمه‌تشخیص داده شده متأثر از نقش‌های جنسیتی در فرایند جامعه‌پذیری در اجتماع سنتی و تجارب زیسته آنان در خانواده و اجتماع و نبی دیگر متأثر از مواجهه با دنیای مدرن و سبک زندگی جدید شکل گرفته است. این آگاهی دوباره، درک بخشی از واقعیت را برای زنان تسهیل و بخش دیگر را ممتنع می‌سازد. زنانگی و مردانگی، آموزه‌هایی اجتماعی هستند که بر آن اساس گونه‌های متفاوتی از رفتار اجتماعی در موقعیت‌های مختلف از افراد متجلی می‌شود. در واقع از رهگذر تجربه جامعه‌پذیری جنسیتی است که در بسیاری از فرهنگ‌ها، دنیای عمومی و اجتماعی سهم مردان و دنیای خصوصی و عرصه خانگی، سهم زنان گردیده است. هرچند به واسطه تغییر مداوم در جامعه، به همان میزان که سنت، اهمیت و نقش خود را از دست می‌دهد، انتخاب‌های متکثر با توسل به پارادایم‌های نوین پدید می‌آیند، لیکن کنشگران متفاوت در موقعیت‌های یکسان با درک متفاوتی از قدرت یا انقیاد خود که از نگاه کنشگر به موقعیت و درک او تر آن بر می‌خیزد، نسبت به آن واکنش نشان می‌دهند. احساس بیگانگی به واسطه دوگانگی خودپنداره‌های ذهنی و احساسی جدا از زمینه‌های اجتماعی، تحمل و سکوت زنان در برابر زورگویی مردان نمونه‌هایی از این واکنش‌هاست که به دوپارگی آگاهی اجتماعی و شخصی زنان ارجاع می‌شود. معانی و برساخت زنان از رویدادها در بستر دو جهان سنتی و دنیای مجازی در آمیخته

است. امروزه با همه تغییراتی که در دنیای مدرن و مقتضیات آن و از طرفی در دنیای ذهنی و آگاهی‌های زنان اتفاق افتاده، لیکن تغییر عینی و محسوسی در نگاه به دو جنس و جامعه‌پذیری زنان در جامعه صورت نگرفته است. از طرف دیگر، وضعیت ساختاری خانواده و سلسله مراتب قدرت نهفته در روابط بین اعضا و تقسیم جنسیتی نقش‌ها، اغلب امکان تحقق اجرای نقش‌های مدرن و برابرخواهانه را از سوی زنان در خانواده محقق نمی‌کند. تعارض در نقش زنانگی در بستر سنتی و تعارض در استقلال زنان در بستر مدرنیته، دوگانگی‌هایی را در ذهن و آگاهی زنان در پیوند با هنجارهای سنتی و اقبال به مدرنیته پدید می‌آورد که می‌توان آن را شکلی از بحران معنا تعریف کرد که ضرورتاً نیاز به بازسازی و بازاندیشی دارد. از آنجا که جنسیت و نقش‌های جنسیتی هویت‌آفرین هستند، زنان و دختران در چارچوب خانواده سنتی باید از نو حول هویت‌های بنیادین گرد هم آیند و خودپنداره‌های جنسیتی را در فضای متکثر کنونی بازاندیشی و با تعریف کنند. در عین حالی که عادت‌واره‌ها سعی بر توجیه و تداوم ساختار سنتی دارند، سازمان بازاندیشانه حامل ارزش‌های نوینی است که نوعی وحدت اخلاقی نوین پایه‌ریزی می‌کند و ارزش‌های عام‌گرا خلق می‌نماید تا دوپارگی آگاهی زنان چه در بعد ذهنی و چه در بعد عینی و عملی یکپارچه شود. این گذار و تحول اخلاقی جز به واسطه روابط گفت‌وگومانی در پیوند ذهنیت و عینیت در جامعه تحقق نمی‌یابد. در این میان، نهادهای اجتماعی از جمله نهاد خانواده به لحاظ دارا بودن جایگاه برتر برای روشنفکری به دگردیسی نوینی نیاز دارد. نهاد خانواده برای شناخت و تطابق با دنیای نوین، آسیب‌ها و چالش‌های آن به‌ویژه در موضوع مطالعه حاضر در رویارویی با قلدری‌های مدرن نسبت به دختران و زنان جوان باید رویکرد خود را نسبت به دو جنس تغییر دهد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

کاوش کیفی فرایندهای آزار سایبری در میان زنان جوان



منابع

- اشتراوس، ا. و کریبن، ج. (۱۳۹۷). مبانی پژوهش کیفی. چاپ هفتم، ابراهیم افشار. تهران: نشر نی
- اعزازی، شهلا. (۱۳۸۰). خشونت خانوادگی، زنانه کتک خورده. تهران: نشر سالی
- افراسیابی ح. و مداحی، ج. (۱۳۹۵). «مطالعه کیفی زمینه‌های اجتماعی مصرف سیگار در میان دانشجویان خوابگاه پسران دانشگاه یزد». پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی. ۵ (۱۵)، صص ۷۹-۹۸.
- افشاری، علی. (۱۳۸۸). «عوامل اجتماعی موثر بر وقوع پدیده خودکشی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- چلبی، مسعود. (۱۳۸۵). «ازدواج همسان و استحکام خانواده». مجله مطالعات زنان، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تبریز. شماره ۵۳.
- حاجی ده آبادی، محمدعلی و سلیمی، احسان. (۱۳۹۷). «علت‌شناسی بزه‌دیدگی زنان در شبکه‌های اجتماعی (مطالعه موردی: شبکه اجتماعی فیسبوک)». فصلنامه علمی پژوهشی زن و جامعه. سال ۹، شماره ۳.
- حریری، نجلا. (۱۳۸۵). اصول و روش‌های پژوهش کیفی. تهران: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات
- حضوری، ک. (۱۳۸۵). «بررسی وضعیت زنان خشونت‌دیده قبل و بعد از طرح شکایت در کلاتری». فصلنامه امنیت اجتماعی. سال ۳، شماره ۸ و ۹.
- خبرگزاری مهر. (۱۳۹۴). «تهران در صدر جرائم اینترنتی». ۱۳۹۷/۵/۵، <https://www.mehrnews.com/news/3575583>
- درویش پور، مهرداد. (۱۳۷۸). «چرا مردان به اعمال خشونت علیه زنان ترغیب می‌شوند؟» پژوهش زنان. شماره ۵۶.
- ذکایی، محمد سعید. (۱۳۸۱). «خرده فرهنگ، سبک زندگی و هویت». رشد آموزش علوم اجتماعی. شماره ۲۰ و ۲۱.
- ریتزر، جورج. (۱۳۸۳). نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر. محسن ثلاثی. چاپ هشتم، تهران: انتشارات علمی
- علی‌وردی‌نیا، اکبر و قربان‌زاده سیاه‌کلودی، فائزه. (۱۳۹۸). «بررسی جامعه‌شناختی بزه‌دیدگی ناشی از آزار سایبری در میان دانشجویان دانشگاه مازندران». پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، جامعه علوم انسانی. سال ۱۰، شماره ۱.
- عنایت، ح. و عنبری روزبهانی، م. (۱۳۹۲). «بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مرتبط با نابرابری جنسیتی در میان دختران ۱۸ تا ۵۹ ساله شهر تهران». فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی شوشتر. ۷ (۳)، صص ۱۲۳-۱۵۲.
- فلیک، اووه و کاردوف، ارنست فون. (۱۳۹۷). راهنمای روش تحقیق کیفی، ستارمحمدی تلوار. تهران: جامعه‌شناسان
- فرواد، سوزان. (۱۳۷۷). مردان زن‌ستیز. شیما نعمت الهی. تهران: انتشارات خجسته
- کرسول، جان دبلیو. (۱۳۹۴). پوشش کیفی و طرح پژوهش: انتخاب از میان پنج رویکرد، ترجمه حسن دانایی فرد و حسین کاظمی، تهران، صفار، چاپ دوم.
- کرد علیوند، روح الدین؛ محمدی، مهدی و میرزایی، محمد. (۱۳۹۵). گونه‌شناسی جرائم سایبری در قانون جرائم رایانه‌ای، مجموعه مقالات اولین همایش مقابله با جرائم سایبری، چالش‌ها و راه‌کارها. تهران: پلیس فضای تولید و تبادل اطلاعات ناجا
- گولد، جولیس و کولب، ویلیام. (۱۳۷۶). فرهنگ علوم اجتماعی. محمدجواد زاهدی مازندران. تهران: انتشارات مازیار
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۹۴). جامعه‌شناسی. حسن چاوشیان. چاپ دهم، تهران: نشر نی
- مارشال، گ. و راسمن، گ. (۱۳۷۷). روش تحقیق کیفی. علی پارسائیان و محمد اعرابی. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی

کاوش کیفی فرایندهای آزار سایبری در میان زنان جوان

- مالمیر، محمود و زرخ، احسان. (۱۳۸۹). «پیشگیری از بزه‌دیدگی سایبری». مطالعات پیشگیری از جرم. سال ۵، شماره ۱۷.
- محمدپور، احمد. (۱۳۹۲ الف). روش تحقیق کیفی ضدروش ۱ (منطق و طرح در روش‌شناسی کیفی). چاپ دوم، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- محمدپور، احمد. (۱۳۹۲ ب). روش تحقیق کیفی ضدروش (منطق و طرح در روش‌شناسی کیفی). جلد اول، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- هالدر، دبایتی و جایشانکار، کی. (۱۳۹۳). جرم رایانه‌ای و بزه‌دیدگی زنان، قانون‌ها، حق‌ها و مقرردها. مهرداد رایجیان اصلی، حسین محمد کوره‌پز، احسان سلیمی و محمد سلیم رستگار. تهران: انتشارات مجد.
- هنسون، بیلی. (۱۳۹۳). مزاحمت در فضای مجازی. دانشنامه بزه‌دیده‌شناسی و پیشگیری از جرم. فاطمه قناد زیر نظر علی حسین نجفی ابرندآبادی. جلد اول، چاپ اول، انتشارات میزان.
- Alshobramy, Hajar A. (2019). International Journal of Vocational and Technical Education Research, Vol.5, No.5, pp.11-23, September 2019.
- Arber,Davise and Cobb ,Gerald(2009), **Resoarce Dependence Theory: past and future,Sociology of Organizations**,12(5): 1-31. -
- Athanasiades C., Kamariotis H, Pesalti A., Baldry AC, Sorrentino A., (2015). **Internet use and Cyberbullying among adolescent students in Greece: the " Tabby" project**.Hellenic Journal of Psychology;12(1): 14-39
- Berne, S,Frisen A.,Schultze- Krumbholz A.,Scheithauer H.,Naruskov K., Luik P.,Katzner C, Erentaite R., Zukauskienė R. (2013). **Cyber bullying assesment instruments: A systematic review**.**Aggression and Violent Behavior** ; 18(2): 320-34.
- -Carter,Jemica.M & Wilson,Feleta.L (2015),Cyberbullying:a 21st Century Health Care,Pediatr Nurs,2015 May-Jun;41(3) : 25-115.
- -Corbin,j and Strauss.A(2015),**Basics of Qualitative Research**,Fourth Edition,London,Sage Publications.
- Duriesmith, David & Sara Meger(2020), **Returning to the Root: Radical feminist thought and feminist theories of international relations**. Review of International Studies, 46 (3), pp. 357-375.
- Edinyang, Sunday David(2016), **The Significance of Social Learning Theories in Teaching of Social Studies Education**, International Journal of Sociology and Anthropology Research, Vol 2,..'1
- Engström, Alexander (2020), **Conceptualizing Lifestyle and Routine Activities in the Early Article Century A Systematic Review of: Self-Report Measures in Studies on Direct-Contact Offenses in Young Populations**, Article reuse guidelines,sagepub.com/journals-permissions. (DOI: 10.1177/0011128720937640).
- Gahagan,K.,Vaterlaus,J.,&Forst ,L.(2016).College student cyberbullying on social networking: **conceptualization,prevalence,and perceived bystander responsibility**.Computers in Human Behavior,55.
- Haradhan, Mohajan (2022), **An Overview on the Feminism and Its Categories, Research and Advances in Education**, SEP. 2022 VOL.1 NO.3, pp. 11-26. Paradigm Academic Press.
- Hindelang M.J & Garofalo M.R (۱۹۷۸), **Victims of Personal Crime-on Empirical Foundation for a Theory of Personal Victimization**. Cambridge,Ma:Allinger.
- Juvenon,J. Gross,e.(2008),**Extending the school grounds? Bullying experiences in syberspace**, Jurnal of School Health,78.
- <https://www.yourarticlelibrary.com/sociology/social-processes-the-meaning-types-characteristics-of-social-processes/۸۵۴۵>
- Kafashi,majeid.Pirjalali,Zahra.(2015) **Spending Leisure Time in Women in Virtual Space**(Tehran,1394), Journal of Women and Society.Special Issue,pp.105-122.(persian).
- -Koutroubas, Virginia & Galanakis Michael(2022), **Bandura's Social Learning Theory and Its Importance in the Organizational Psychology Context**, Psychology Research, June 2022, Vol. 12, 6, 315-322.

- -Lyons,Sherry.D & Berge, Zane.L (2012),**Social Learning Theory**, ,Https ;/www .Researchgate .net/ publication/302350884.(DOI: 10.1007/978-1-4419-1428-6_1257).
- - McNeeley, Susan & Overstreet, Suzanne (2018), **Lifestyle-Routine Activities Neighborhood Context,and Ethnic Hate Crime Victimization**, Violence and Victims, Volume 33, Number 5.(DOI: 10.1891/0886-6708.VV-D-17-00136).
- -Nancy H.camp,(۲۰۱۶) ,"**Restoring Trust: A Grounded Theory Study of Cyberbullying Among Yoon**, Women Dissertations. 2123".
- Pratt, Travis C & Turanovic, Jillian J.(2016), **Lifestyle and Routine Activity Theories Revisited: The Importance of "Risk" Study of Victimization, Victims & Offender**,11,335-354.(DOI: 10.1080/15564886.2015.1057351).
- Safari T.(2016). **prevalence and impact of cyberbullying in a sample of Indonesian junior high school students**.jurnal of Educational Tecnology; 15(1).
- -Shoenberger, Nicole A.(2021), **Applying Routine Activity Theory: A Case Study of the Sonya Farak Drug Scandal, of the Sonya Farak Drug Scandal**,Scientific Reaearch Publishing,9:118-129.
- -SLai Kai Lun (2020),**Radiacal Femenist Theory on Roald Dahlt s "Lamb to Slaughter"**, A Research Project Submitted in Partial Fulfillment of Requirements for the Arts(Honours)English Language Facilty of Arts and Social Sciences University Tunku Abdul Rahman.
- -Strauss, A., & Corbin, J. (1990). **Grounded theory research**. *Qualitative Sociology*, 13(1),3-21.
- Uggen,Ch & Blackstone,A ,(2004),**Sectual Harassment asa Gendered Eupression of Power**.American Sociological REVIEW,Vol 69,pp:64-92.
- Vukoicic,Jelena (2017), **Radical feminism as a discourse in the theory of conflict**, Article in Социолошки дискурс · November 2017. DOI: 10.7251/SOCEN1305033V).

